

تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی در حوزه آبخیز قزل تپه استان زنجان)

اسماعیل کرمی دهکردی* و رقیه بابائی^۱

(دریافت: ۹۶/۰۲/۱۶؛ پذیرش: ۹۶/۰۹/۰۷)

چکیده

زنان روستایی ارتباطی مستقیم و تنگاتنگ با منابع طبیعی و محیط‌زیست اطرافشان دارند و با توجه به شیوه‌های معیشت خانوارشان، می‌توانند بر این منابع تأثیر متقابل گذارند. نقش دانش زنان روستایی در مدیریت جامع و پایدار حوزه‌های آبخیز بسیار چشمگیر است. پژوهش حاضر به شناخت نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی حوزه آبخیز قزل تپه در استان زنجان می‌پردازد. رویکرد مورد استفاده در پژوهش، کیفی می‌باشد و از روش‌شناسی مطالعه موردی و فنون ارزیابی سریع روستایی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد زنان روستایی از طریق راهبردهای معیشت کشاورزی و غیر کشاورزی در تأمین معیشت خانوارشان مؤثر بودند. آنان در زمینه‌ی برداشت و فرآوری محصولات باغی و لبنی، بافت فرش با طرح‌های روز، فرصت‌های جدید اشتغال غیرکشاورزی، اشتغال در فعالیت‌های نوین کشاورزی، روش‌های مختلف حفاظت و احیای منابع طبیعی و محیط‌زیست و سطح سواد، نیاز به کسب اطلاعات و تقویت آگاهی و مهارت داشتند. همچنین لازم بود نگرش زیست‌محیطی آنان در زمینه‌ی مدیریت مناسب پسماندهای روستایی بهبود یابد. فراگیر نبودن ضعف جسمانی بین زنان روستایی ظرفیت مناسبی را فراهم نموده است تا با بهره‌گیری از نیروی انسانی کافی و برخوردار از سلامت جسمانی، زمینه افزایش سایر ظرفیت‌های آنان فراهم گردد. این نیازها ضرورت دانش‌افزایی زنان در زمینه‌های مذکور و فراهم نمودن شرایط لازم برای ایجاد و تقویت مهارت‌های لازم را نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: زنان روستایی، دانش، نیاز، مدیریت پایدار حوزه آبخیز، استان زنجان.

^۱ به ترتیب، دانشیار و دانش آموخته ترویج و توسعه روستایی دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

* مسئول مکاتبات، پست الکترونیک: e.karami@znu.ac.ir

احیاء و استفاده مناسب و اصولی از منابع طبیعی مختلف مشارکت داشته باشند و زمینه‌های لازم برای بهبود معیشت پایدار خانوارهای بهره‌برداران فراهم گردد.

به‌منظور ایجاد یکپارچگی در زمینه‌ی تولیدات کشاورزی، حفاظت از منابع طبیعی و بهبود معیشت خانوارهای روستایی و به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا، یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های برنامه‌های آبخیزداری، ارزیابی و بهبود دانش و اطلاعات مردم و توانایی‌های آنان به‌منظور مشارکت آنان در فعالیتهای مدیریت پایدار منابع طبیعی مختلف است (کریمی دهکردی و فرخی، ۱۳۸۸؛ روستا و حاجی‌آبادی، ۱۳۹۲). با تضمین توانایی‌های زنان برای حفظ و تصدی اراضی و منابع مورد استفاده آنان، سرمایه‌گذاری در مدیریت منابع طبیعی اثربخش‌تر، کارآتر و پایدارتر خواهد شد (FAO, 2015a). در زمینه‌ی چالش‌های منابع طبیعی یکی از سیاست‌های اخیر کشور توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جوامع روستایی از جمله زنان روستایی در راستای مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز است (کریمی دهکردی، ۱۳۹۴). ظرفیت‌سازی یا توانمندسازی زنان روستایی در یک جامعه موجب اعمال مدیریت مشارکتی می‌شود (وٹوقی و قاسمی، ۱۳۹۳). توانمندسازی فرآیند پیچیده‌ای از تغییرات است که توسط تمام افراد به‌طور متفاوت تجربه می‌شود (Cheston & Kuhn, 2002). در هر رهیافت جدید برای حمایت از نقش مردم محلی در مدیریت منابع طبیعی موضوع حساس و مهمی است که می‌تواند از منابع متعددی استخراج شود (Nunan, 2006).

به‌منظور توانمندسازی زنان روستایی ابتدا باید شناسایی نیازها، اولویت‌ها، تنگناها و فرصت‌های آنان مورد توجه قرار گیرد و سپس آگاهی و اطلاعات لازم در زمینه‌ی نیازها و کمبودهای آنان به‌منظور ارتقای دانش، مهارت و طرز تفکر آنان که منجر به بهبود کیفیت زندگی خانواده آنان نیز می‌شود، ارائه گردد (کلانتری، شعبانعلی فمی و سروش مهر، ۱۳۸۹). نیاز نیز به معنای فاصله و شکاف بین سطح موجود قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و سطح مطلوب و بالاتر آن است (رضایی و صفا، ۱۳۹۱). این شکاف‌ها شامل تضادها و مغایرت‌های بین انتظارات و خواسته‌های یک سازمان و وضع موجود، سطح عملکرد جاری و مطلوب، مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌های موجود و مطلوب است. مفهوم نیاز تحت تأثیر عوامل گوناگونی همچون ارزش‌ها و

مدیریت پایدار منابع طبیعی، یکی از اساسی‌ترین شروط تحقق توسعه پایدار کشاورزی و روستایی است (حسن‌شاهی، ساداتی و رضایی، ۱۳۸۸). بهره‌برداری و مدیریت پایدار منابع طبیعی مستلزم مشارکت اقشار مختلف جامعه از جمله روستاییان و زنان روستایی است (عسگری مقدم، ۱۳۸۷). بیشترین رابطه مستقیم زنان با منابع طبیعی در روستاها اتفاق می‌افتد و بیشترین فعالیتهای آنان با منابع طبیعی در زمینه‌ی فعالیتهای زراعی، باغداری و دامپروری است (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷). طبق برآورد بخش زنان فائو در سازمان ملل متحد، زنان روستایی یک‌چهارم جمعیت جهان و نیمی از جمعیت فعال جوامع روستایی را تشکیل می‌دهند و نیروی کار بزرگی در بخش کشاورزی و اقدامات لازم جهت حفظ منابع طبیعی محسوب می‌شوند (UNWomen, 2012). رابطه مستقیمی بین مدیریت منابع طبیعی و معیشت خانوارهای روستایی وجود دارد. در همین راستا، زنان روستایی سهم قابل‌توجهی در تأمین معیشت خانوارهایشان دارند و به نوبه خود تأثیر مستقیمی بر حفظ یا تخریب منابع طبیعی و محیط‌زیست دارند (FAO, 2015b)؛ بنابراین با توجه به نقش محوری آنان در فعالیتهای معیشت خانوارهایشان و مدیریت منابع طبیعی، تقویت نقش آنان در مدیریت پایدار و عادلانه این منابع، نقش کلیدی در ایجاد صلح دارد (UNWomen, 2012). زنان روستایی در صورتی می‌توانند در حفظ منابع طبیعی تأثیر قابل‌ملاحظه داشته باشند که از آگاهی و اطلاعات کافی در زمینه‌ی مسائل و معضلات حفظ منابع طبیعی برخوردار باشند، هرچند اغلب دانش بومی منحصر به فردی در مورد محصولات محلی دارند. بهبود این دانش نیز از طریق ترویج و اطلاع‌رسانی دقیق و مناسب امکان‌پذیر است (عسگری مقدم، ۱۳۸۷). در صورتی که زنان ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دانشی و مهارتی لازم را به دست آورند، می‌توانند در انتقال اطلاعات به سایر افراد جامعه روستایی مؤثر باشند و در مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز و حفظ منابع طبیعی ایفای نقش کنند (اکبری، ۱۳۹۱)؛ بنابراین تحقق مدیریت پایدار منابع طبیعی در گرو کسب دانش، آگاهی و اطلاعات به‌روز بهره‌برداران روستایی و عشایری از این منابع و سابقه اشتغال آنان در بهره‌برداری از منابع طبیعی است تا آنان به‌طور فعال در زمینه‌ی حفظ،

تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است. میزان تحصیلات افراد، میزان آگاهی از امور مرتبط با منابع طبیعی و نگرش آنان نسبت به فعالیت‌های تولیدی و حفاظت و احیای منابع طبیعی در تقویت ظرفیت انسانی مؤثر است. نتایج مطالعه مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) در زمینه‌ی اهمیت مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی نشان داد در جهت احیا و حفظ منابع طبیعی و برداشت محصولات فرعی جنگلی و مراتع (از جمله برداشت بی‌رویه گیاهان دارویی) تغییر نگرش سنتی به زنان و ارائه خدمات آموزشی مناسب به آنان در زمینه‌ی بهره‌برداری صحیح و به‌موقع از منابع طبیعی ضروری است. مطالعه کرمی دهکردی و همکاران (۱۳۹۵) در شهرستان ماهنشان استان زنجان مشخص نمود که اجرای طرح‌های مرتعداری در افزایش دانش و آگاهی بهره‌برداران در زمینه‌ی‌های اهمیت و روش‌های احیای مراتع مانند اقدامات بیولوژیک و مدیریت مناسب چرای مراتع مؤثر بوده است. دیدگاه دامداران نیز در مورد تأثیر طرح‌ها بر دانش و آگاهی آنان تحت تأثیر متغیرهایی همچون میزان مشارکت افراد در طرح‌ها، کسب اطلاعات کافی از رسانه‌های بین فردی و انبوهی، انجام اقدامات احیای مراتع و تنوع‌سازی معیشت، عضویت در تشکل‌های اجتماعی، سن افراد و مقدار اراضی روستاییان است. صابری و کرمی دهکردی (۱۳۹۱) در بررسی دانش بومی و رسمی روستاییان در مدیریت یک حوزه آبخیز نشان دادند که بهره‌برداران باید در زمینه‌ی‌های وقوع، علل و اهمیت بحران‌های موجود در حوزه‌های آبخیز، شناخت و اهمیت عملیات آبخیزداری، چگونگی انجام اقدامات لازم و حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی در حوزه‌ها آگاهی و مهارت کافی داشته باشند. همچنین مطالعه نشان داد ارزیابی و اولویت‌بندی‌هایی که توسط کارشناسان انجام می‌شود با ارزیابی‌های ناشی از بررسی‌های میدانی و اطلاعات موجود مردم تفاوت چشمگیری دارد و دانش و اطلاعات مردم در زمینه‌ی اکوسیستم‌ها و گونه‌های در معرض تماس بهره‌برداران کمتر از آنچه در واقعیت است، ارزیابی کرده است.

نتایج پژوهش انجام گرفته توسط سازمان غیردولتی داوطلبان آفریقا (Volunteers For Africa, 2009) در زمینه‌ی بررسی نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی در کنیا حاکی از آن است که در مناطق مختلف جهان از جمله کنیا، نقش‌های

هنجارهای جامعه، نگرش افراد و دستورالعمل‌ها می‌باشد (صنایع گلدوز و همکاران، ۱۳۸۹). ظرفیت‌سازی در راستای مدیریت پایدار منابع طبیعی را می‌توان در چند بعد یا ظرفیت انجام داد که در ادبیات مختلف به نحو گوناگونی مفهوم‌سازی شده‌اند. یکی از مدل‌هایی که می‌توان در این زمینه بکار برد، مدل معیشت پایدار روستایی است که به سرمایه‌ها یا ظرفیت‌هایی از جمله سرمایه‌های طبیعی، سرمایه‌های فیزیکی، سرمایه‌های اجتماعی، سرمایه‌های مالی و سرمایه‌های انسانی تأکید می‌کند. در این بین سرمایه‌های انسانی عمدتاً عبارتند از: تحصیلات، مهارت‌ها، دانش، سلامت، توان کار و نیروی جسمانی. سرمایه انسانی با شاخص‌هایی همچون سن و میزان تحصیلات افراد یک جامعه، تجربه افراد در زمینه‌ی فعالیت‌های مرتبط، تعداد اعضای مختلف خانوار در جامعه، میزان آگاهی افراد، مهارت‌های عمومی و تخصصی افراد و توانایی افراد برای انجام فعالیت‌ها و غیره اندازه‌گیری و ارزیابی می‌شود (Adato & Meinzen-Dick, 2002; Woodhouse et al., 2000; Gaillard et al., 2009; Krantz, 2001). در پژوهش حاضر عمدتاً بر مؤلفه‌های آگاهی، دانش و مهارت زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی تأکید شده است، ولی برخی نیازهای مرتبط با وضعیت جسمانی و سلامت زنان نیز بررسی شده است.

در راستای مدیریت جامع و پایدار منابع طبیعی، مطالعات انجام گرفته پیرامون نیازسنجی و توانمندسازی جوامع روستایی بر ضرورت حضور و مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی تأکید می‌نمایند. توفیقیان اصل و میزبان (۱۳۹۲) در مطالعه خود پیرامون توانمندسازی مدیریت زنان روستایی جهت حفاظت از محیط‌زیست در شهرستان رستم نشان دادند که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی، در توانمندسازی مدیریت زنان مؤثر هستند. مطالعه فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۱) مشخص نمود که پروژه ترسیب کربن منجر به ارتقای توانمندی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در منطقه حسین‌آباد غیناب شهرستان بیشه شده است. طبق فعالیت این پروژه، سطح آگاهی زنان روستایی، تغییر نگرش، افزایش و تنوع فعالیت‌های شغلی، استقلال مالی و مشارکت در

روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ نوع مخاطب و استفاده از نتایج آن، نوعی پژوهش کاربردی کیفی است، زیرا شناسایی مسائل عمیق زنان روستایی با استفاده از روش پیمایشی امکان‌پذیر نبود و واقعیت‌های نهفته روستاها به‌ویژه در زمینه‌ی زنان روستایی از طریق روش کمی حاصل نمی‌شد. در این مطالعه از روش‌شناسی مطالعه موردی یا مورد پژوهی اکتشافی - تبیینی استفاده شده است. در روش‌شناسی مطالعه موردی، اصولاً چهار نوع طرح قابل‌ذکر است که انواع حالت‌های طرح عبارتند از: (۱) طرح تک‌موردی جامع یا کل‌گرا با یک واحد تحلیل، (۲) طرح تک‌موردی درون نهفته با چند واحد تحلیل، (۳) طرح چند موردی جامع یا کل‌گرا با یک واحد تحلیل و (۴) طرح چند موردی درون نهفته با واحد تحلیل چندگانه (Yin, 2013). در این روش‌شناسی از طرح چند موردی (Multiple-case designs) درون نهفته (Embedded) با واحد تحلیل چندگانه استفاده شده است، به‌گونه‌ای که پنج روستا به‌عنوان پنج «مورد» در نظر گرفته شدند و درون هر روستا گروه‌های متمرکز با زنان روستایی تشکیل گردید. طی انجام تحلیل ثروت خانوارها، مشخص شد در هر یک از روستاها گروه‌های مختلف درآمدی و راهبردهای معیشت مختلف وجود دارد که به‌صورت ناهمگن هستند. بنابراین، در یک طرح چند موردی، هر روستا به‌عنوان یک مورد در نظر گرفته شد و درون هر روستا واحدهای تحلیل متعدد شامل گروه‌های مختلف درآمدی و خانوارهای با راهبردهای معیشت مختلف وجود داشت. نهفته بودن طرح نیز به دلیل تحلیل چندگانه و توجه به زیرواحدها می‌باشد و هر یک از گروه‌های متمرکز تشکیل شده در هر یک از روستاها می‌تواند یک واحد نهفته در نظر گرفته شود. داده‌ها با کمک فنون ارزیابی سریع روستایی همچون تحلیل اسناد، تشکیل گروه‌های متمرکز، انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با زنان روستایی، دهگردی، مشاهدات مستقیم، نقشه‌کشی و تحلیل ثروت و تهیه ماتریس زوجی گردآوری شدند. شاخص‌های پژوهش نیز توسط پانل تخصصی شامل پژوهشگران و کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان که فعال در حوزه آبخیز مورد مطالعه بودند، تعیین شد. مهم‌ترین شاخص‌ها عبارت بودند از: سطح ثروت و دارایی‌های فیزیکی-مالی خانوارهای روستایی، وضعیت راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی، نقش و توانایی

جنسیتی منجر به برقراری ارتباط مستقیم زنان با منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، آب، زمین و حیات‌وحش و بهره‌برداری از آنها می‌شود. زنان برای تأمین نیازهای اساسی خانواده‌شان از منابع مذکور استفاده نموده و حفاظت می‌کنند. با توجه به این شرایط، حفاظت از منابع طبیعی بدون مشارکت و آموزش زنان روستایی در مناطق زندگی‌شان انجام نمی‌شود. زنان برای مدیریت پایدار منابع طبیعی که به‌عنوان منابع جایگزین معیشتی آنان است نیاز به دریافت خدمات ترویجی مناسب دارند.

با توجه ادبیات مروری و کلیه پیشینه‌های مورد اشاره در بالا ضرورت افزایش توان دانشی و مهارتی روستاییان به‌عنوان یکی از راهبردهای توانمندسازی مورد تأکید می‌باشد. در این راستا یکی از مهم‌ترین استراتژی‌ها آن است که توانمندسازی افراد روستایی صورت گیرد و این نیز مستلزم توانمندسازی زنان روستایی است. همان‌طور که مدل معیشت پایدار به ظرفیت‌های مختلف از جمله ظرفیت انسانی اشاره می‌کند و در کل کشور نیز طرح مدیریت جامع حوزه‌های آبخیز مورد تأکید قرار گرفته است، در استان زنجان نیز ظرفیت‌سازی افراد روستایی در حوزه قزل تپه مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه که در مطالعات قبلی از جمله مطالعه کرمی دهکردی (۱۳۹۴) مورد تأکید قرار گرفته است توجه به توانمندسازی کل خانوار روستایی بوده است، در حالی که پژوهش حاضر به‌طور ویژه به ظرفیت‌سازی و توانمندسازی زنان روستایی توجه نموده است. لذا هدف از انجام پژوهش حاضر شناسایی مسائل و ظرفیت‌های زنان روستایی در ابعاد انسانی و به‌ویژه دانشی و رفتاری با نگاه سیستمیک به یک حوزه آبخیز (حوزه آبخیز قزل تپه) جهت اعمال مدیریت جامع و پایدار حوزه آبخیز مورد مطالعه است. همچنین هدف دیگر آن تعیین مسائل و نیازهای مذکور بر اساس سطوح مختلف درآمد خانوارهای روستایی است که این امر از طریق تحلیل ثروت خانوارها انجام گرفته است. با مشخص نمودن نیازهای زنان روستایی در این ابعاد، می‌توان راهکارهای لازم در جهت توانمندسازی آنان جهت مدیریت منابع طبیعی ارائه نمود. در فرایند توانمندسازی افراد محلی با عنایت به لزوم تدوین برنامه‌های همه‌جانبه و مناسب جامعه محلی، زنان و مردان روستایی به‌عنوان گروه‌های مخاطب مهم مدیریت جامع در نظر گرفته می‌شوند و در این زمینه لازم بود که به مسائل و نیازهای مختص زنان روستاها حوزه آبخیز مورد مطالعه توجه گردد.

دوربین عکاسی استفاده گردید. این پژوهش در حوزه آبخیز قزل تپه واقع در دهستان زنجان رود بالا در بخش مرکزی شهرستان زنجان و در فاصله زمانی مهرماه ۱۳۹۴ تا شهریور ماه ۱۳۹۵ انجام گردید. مطالعه در پنج روستای حوزه آریاچای یا قزل تپه شامل روستای یامچی، آقبلاغ، قزل تپه بیات، قزل تپه علی قلی و گلچیک انجام شد. بر اساس آمار سال ۱۳۹۵، این پنج روستا ۵۹۹ خانوار با جمعیت برابر با ۲۳۱۲ نفر را در خود جای داده بود. حوزه مورد مطالعه از ۸۰۳۴ هکتار مرتع، ۶۷۰ هکتار اراضی زراعی و باغی آبی و ۳۶۳ هکتار اراضی زراعی دیم تشکیل شده است. مساحت اراضی با شیب ۱۲-۰ درصد، ۷۱۴ هکتار تعیین شده است. این حوزه، از سوی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان به عنوان حوزه انتخابی برنامه های جامع مدیریت منابع طبیعی انتخاب شده است و توانمندسازی زنان و مردان روستایی از جمله برنامه های آتی آن اداره کل در نظر گرفته شده است. در این راستا، شناسایی مسائل و نیازهای افراد محلی روستاهای حوزه مذکور و توانمندسازی آنان در راستای اجرای برنامه های مدیریت جامع جوامع روستایی ضرورت داشت.

جامعه مورد بررسی پژوهش حاضر، زنان روستایی بودند و در انتخاب آن ها از نمونه گیری هدفمند استفاده گردید (Bryman, 2015). به طوری که ابتدا زنان روستایی کلیدی با کمک شورای روستاهای مذکور انتخاب گردیدند و در هر روستا گروه متمرکزی از زنان (۹ تا ۱۲ نفر) تشکیل شد. سپس امتیازبندی، رتبه بندی، طبقه بندی و ترسیم نقشه ثروت خانوارهای روستایی انجام شد. بر اساس تحلیل سطح ثروت، چهار گروه خانوار مشخص شد: (۱) ضعیف، (۲) پایین، (۳) متوسط و (۴) بالا. همچنین راهبردهای معیشت خانوارها در سه گروه طبقه بندی شدند: (۱) مبتنی بر کشاورزی غیر وابسته به مرتع، (۲) کشاورزی وابسته به مرتع و (۳) غیر کشاورزی. لازم به ذکر می باشد بر اساس سطح درآمد خانوارها و نوع معیشت خانوارها، تعداد ۱۰ گروه متمرکز در روستاهای مورد مطالعه تشکیل شد (در هر روستا دو گروه متمرکز). در هر خانوار به طور بالقوه حداکثر یک نفر زن روستایی می توانست در یک گروه متمرکز حضور یابد و مشارکت نماید. تعداد افراد مشارکت کننده در هر گروه با توجه به آن تعیین می شد که در هر گروه حتماً از کلیه سطوح درآمدی خانوارها و نوع معیشت خانوارها، ۲ تا ۳ نفر حضور داشته باشند و

فکری و مهارتی موجود زنان روستایی، مشکلات زنان روستایی مرتبط با دانش آنان و نیازهای آن ها. سطح ثروت و دارایی های فیزیکی-مالی خانوارهای روستایی با استفاده از معیارهایی همچون مقدار اراضی خانوارها، تعداد دام، تعداد طیور، تعداد کندوی عسل، ماشین آلات، تجهیزات آبیاری، مالکیت و نوع واحد مسکونی در شهر و روستا، امکانات زیرساختی و ارتباطاتی هر یک از خانوارها بررسی شد. راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی نیز از لحاظ وضعیت اشتغال زنان روستایی، وضعیت بهره برداری از منابع طبیعی و تعیین مشاغل غیر کشاورزی خانوارها ارزیابی گردید (لازم به ذکر است که معیارهای مذکور توسط پژوهشگران و در برخی موارد توسط خود زنان روستایی تعیین گردید). نقش و توانایی فکری و مهارتی موجود زنان روستایی بر حسب هریک از راهبردهای معیشت خانوارهای روستایی از لحاظ وضعیت فعالیت زنان روستایی و مشکلات آنان به ویژه از لحاظ کمبود دانش و مهارت زنان روستایی در انجام هریک از فعالیت های کشاورزی و غیر کشاورزی و بهره برداری از منابع طبیعی و حفاظت از آنان بررسی شد. همچنین برای تعیین سطح مطلوب هریک از مسائل عنوان شده وضعیت مطلوب چگونگی انجام صحیح (مهارت مورد نیاز) یا دانش مطلوب برای انجام هریک از فعالیت های مذکور توسط کارشناسان فعال در حوزه آبخیز و در برخی موارد توسط زنان روستایی تعیین گردید. نیازهای مربوط به مسائل و ظرفیت سازی آن ها از طریق شناخت فاصله بین وضع موجود و مطلوب مسائل عنوان شده به دست آمدند و فاصله بین دو وضع مذکور توسط پژوهشگران مشخص گردید و در نهایت توسط زنان روستایی اولویت بندی شدند. چگونگی ظرفیت سازی نیازها از طریق به دست آوردن پیشنهادها و انتظارات زنان روستایی و پنج نفر از کارشناسان فعال در حوزه آبخیز و چگونگی ارائه اقدامات لازم جهت برآورده کردن هر یک از نیازها بر اساس راهبردهای معیشت و بر اساس سطح ثروت خانوارها مشخص گردید.

ابزارهای مورد استفاده در فنون مشارکتی عبارت بودند از: یادداشت برداری و ضبط مصاحبه ها، تهیه عکس، نقشه کشی های مشارکتی و مقایسه های زوجی. در این زمینه از قلم و کاغذ، صفحات مقوایی قطع بزرگ، ماژیک های با رنگ های مختلف، دستگاه ضبط صدا و

بنابراین ۴۱ نفر از زنان روستاها در این گروه‌ها مشارکت داشتند. همچنین علاوه بر گروه‌های متمرکز در هریک از روستاها به‌طور مجزا هفت مصاحبه نیمه‌ساختارمند انجام گرفت. به‌منظور کسب اطلاعات تکمیلی و اطمینان یافتن از اطلاعات گردآوری شده تعداد مصاحبه‌ها در هریک از روستاها یک مصاحبه بود که در دو روستا به‌منظور کسب اطلاعات تکمیلی دو مصاحبه انجام گرفت. افراد انتخاب‌شده برای مصاحبه نیز براین اساس انجام گرفت که قبل از تشکیل گروه‌های متمرکز و انجام مصاحبه، تحلیل ثروت خانوارها با کمک تعداد بیشتری از زنان روستایی انجام گرفته بود و از بین زنان به‌طور تصادفی افراد برای مصاحبه انتخاب شدند.

در راستای شناخت مشارکتی مسائل و نیازهای زنان در جهت ظرفیت‌سازی انسانی آنان در مدیریت جامع و پایدار منابع طبیعی، اقدامات زیر انجام شد:

۱) امتیازبندی، رتبه‌بندی و نقشه‌کشی ثروت خانوارهای روستایی با مشارکت زنان و تعیین فعالیت‌ها و راهبردهای معیشت آنان: در طی نقشه‌کشی، ابتدا دارایی‌ها یا سرمایه‌های فیزیکی-مالی خانوارها تعیین گردید و سطح ثروت هر یک از آنان امتیازبندی شد و با توجه به آن، رتبه‌بندی خانوارها انجام گرفت. همچنین، فعالیت‌ها و راهبردهای معیشت هریک از خانوارها و به‌ویژه زنان روستایی تعیین گردید.

به‌منظور تحلیل ثروت خانوارهای روستایی بر مبنای سطح سرمایه‌های فیزیکی-مالی خانوارها و امتیازبندی، رتبه‌بندی، طبقه‌بندی آن‌ها، با مشارکت زنان روستایی و در برخی مواقع با همکاری مردان روستایی (به‌منظور مشخص نمودن مقدار اراضی کشاورزی خانوارهای روستایی)، شاخص‌های تحلیل ثروت مورد بررسی قرار گرفت. امتیازبندی هریک از معیارهای تحلیل ثروت خانوارها با توافق زنان روستایی انجام گرفت و عبارت بود از: الف) امتیاز صفر (در صورت نداشتن معیار مذکور)، ب) امتیاز ۱ (در صورت داشتن معیار مذکور ولی با اندازه یا کیفیت کم)، پ) امتیاز ۲ (در صورت داشتن معیار مذکور ولی با اندازه یا کیفیت نسبتاً متوسط) و ت) امتیاز ۳ (در صورت داشتن معیار مذکور با اندازه یا کیفیت بالاتر).

۲) شناخت مسائل مرتبط با هریک از فعالیت‌های زنان روستایی: طبق نمونه‌گیری هدفمند، گروه‌های متمرکز متشکل از زنان روستایی با طیف‌های درآمد و راهبردهای معیشت مختلف در روستا تشکیل شد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند جهت تکمیل اطلاعات گروه‌های متمرکز

انجام شد. مهم‌ترین فعالیت‌ها و راهبردهای معیشت زنان و مسائل مربوط به هریک از این فعالیت‌ها مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. شاخص‌ها و پرسش‌های اصلی مطرح شده به‌منظور شناسایی ظرفیت‌ها، نیازها و مسائل زنان روستایی در مطالب قبل بیان شد.

۳) اولویت‌بندی مسائل: با استفاده از ماتریس مقایسه زوجی، کلیه مسائل عنوان‌شده به‌صورت دو به دو توسط زنان مشارکت‌کننده در گروه‌های متمرکز مورد مقایسه قرار گرفتند و امتیاز هریک از مسائل و رتبه آن‌ها تعیین گردید. بدین طریق اولویت‌بندی مسائل انجام شد.

۴) شناخت وضع مطلوب ایفای نقش زنان روستایی در مدیریت حوزه آبخیز: از دید زنان روستایی و کارشناسان مربوطه وضع مطلوب مربوط به نقش زنان و راهکارهای مناسب مدیریت هریک از مسائل بیان شد و با توجه به نوع ظرفیت مربوط به مسائل که مقوله‌بندی را تشکیل می‌دادند، وضع مطلوب مربوط به ظرفیت‌های انسانی طبقه‌بندی شدند. لازم به ذکر است کلیه کارشناسان افرادی بودند که در زمینه مدیریت جامع حوزه آبخیز نقش به‌سزایی داشتند و در برنامه‌ریزی‌ها و انجام اقدامات مدیریتی در برنامه جامع مدیریت حوزه آبخیز مشارکت داشتند. زمینه تخصصی آنان شامل: مدیر و کارشناس اداره ترویج، مدیر و کارشناس اداره آبخیزداری و کارشناس اداره مرتع اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان بودند.

۵) تحلیل نیازها یا ظرفیت‌های مورد نیاز زنان روستایی: تعیین نیازها یا ظرفیت‌های مورد نیاز از طریق فاصله یا شکاف بین دو وضع موجود و مطلوب انجام گردید. ظرفیت‌سازی مربوط به نیازهای شناسایی شده نیز با توجه به پیشنهادها و زنان روستایی و کارشناسان مربوطه در دسته نیازهای مربوط به ظرفیت‌های انسانی قرار گرفته و ظرفیت‌سازی آن‌ها تعیین گردید.

۶) تحلیل و مقوله‌بندی نیازها یا ظرفیت‌های مورد نیاز زنان روستاهای مورد مطالعه، بر حسب نوع راهبرد معیشت و سطح درآمد خانوارهای آنان.

برای بالا بردن روایی پژوهش‌های موردی باید منطق و اصول کار را بر اساس تکرار تحقیق چند موردی گذاشت. در پژوهش حاضر نیز تکرار فرآیند جمع داده‌ها و مراجعه مکرر به روستا در بالا بردن روایی پژوهش مؤثر بود. به‌طوری‌که در صورت وجود ابهام در اطلاعات گردآوری شده، مراجعه مجدد به زنان روستایی به‌منظور تکمیل اطلاعات و تأیید نظر آنان

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای فنون تحلیل استقرایی (Analytic induction) انجام گردید. تحلیل استقرایی رهیافتی برای تحلیل داده‌های کیفی است که در آن پژوهشگر درصد توضیحات جهان‌شمول از پدیده‌ای است که از طریق پیگیری مجموعه‌ای از داده‌ها، آن را انجام می‌دهد. تحلیل استقرایی رویکردی برای برقراری ارتباط بین نظریه و پژوهش است که در آن نظریه از پژوهش حاصل می‌شود (Bryman, 2015). در پژوهش حاضر تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد: الف) حین گردآوری داده‌ها به‌ویژه در امتیازبندی، رتبه‌بندی و ترسیم نقشه تحلیل ثروت خانوارها و اولویت‌بندی مسائل زنان روستایی؛ و ب) پس از گردآوری داده‌ها، در تحلیل داده‌ها، ابتدا گفته‌ها و مشاهدات در مورد مسائل معیشت، قابلیت‌های موجود و وضعیت مطلوب برای هر موقعیت کدبندی و مفهوم‌سازی شد. بنابراین هر مفهوم اشاره بر مشکل / مسأله یا وضعیت مطلوبی داشت که توسط کارشناسان حوزه و زنان روستایی بیان شده بود. نیازها در اثر وجود هر یک از این مسئله‌های ذکر شده، تعریف می‌شدند. این مفاهیم در مقوله‌هایی دسته‌بندی شدند. به‌عنوان مثال مسائل و نیازهای زنان بر حسب ظرفیت‌های مختلف انسانی بر حسب راهبردهای معیشت خانوارها و بر اساس طبقه و سطح درآمد آنان دسته‌بندی شد.

یافته‌ها و بحث

تحلیل ثروت خانوارهای روستایی

طبق اطلاعات موجود در جدول ۱، ترتیب جمعیت و تعداد خانوارهای روستاهای مورد مطالعه بدین شرح می‌باشد: یامچی، آقبلاغ، قزل تپه علی‌قلی، قزل تپه بیات و گلجیک.

نتایج بررسی نسبت راهبردهای معیشت موجود در هر یک از روستاها (جدول ۲ و ۳) حاکی از آن است که خانوارهای روستایی در روستاهای قزل تپه بیات، قزل تپه علی‌قلی، آقبلاغ، یامچی از لحاظ نوع راهبرد معیشت تا حدی با یکدیگر متفاوت هستند. خانوارهای روستای آقبلاغ (۸۱/۵ درصد) و پس از آن روستای یامچی (۷۶/۴ درصد)، از راهبرد کشاورزی غیر وابسته به مرتع بیشتر از سایر روستاهای مورد مطالعه، استفاده می‌نمودند. در حالی که درصد کمتری از خانوارهای روستای قزل تپه علی‌قلی (۵۷/۷ درصد) به این نوع راهبرد معیشت وابسته بودند. علاوه بر برداشت گیاهان دارویی که تقریباً توسط همه

در مورد اطلاعات جمع شده در بالا بردن روایی مؤثر بود. در این پژوهش از مرحله جمع‌آوری اطلاعات تا انتهای فرآیند پژوهش با مشارکت خود زنان روستایی انجام می‌گرفت و داده‌های جمع‌آوری شده با خود زنان مطرح می‌شد و استفاده از فنون مختلف ارزیابی سریع روستایی همچون تصویرسازی داده‌ها شرایط مناسبی را فراهم نمود که نتایج توسط زنان تأیید شود و صحت وجود آنان تأیید شود. در روش مذکور منظور از تصویرسازی داده‌ها نقشه‌کشی مشارکتی در هر یک از روستاهای مورد مطالعه است که با مشارکت زنان ترسیم و موقعیت تک‌تک خانوارها از این طریق مشخص گردید. سپس با توجه به این نقشه‌ها تحلیل ثروت خانوارها و امتیازبندی و تعیین سطح درآمد خانوارها مشخص گردید. به‌طوری که نقشه ثروت ترسیم شده، تعیین طبقه خانوارها، اولویت‌بندی مسائل و پاسخ‌های زنان در گروه‌های متمرکز مجدداً برای آنان تکرار می‌شد و با تأیید نظرات آنان در مورد اطلاعات به دست آمده، روند پژوهش ادامه می‌یافت. تأیید پایایی داده‌ها نیز از طریق یادداشت‌برداری دقیق در طی گردآوری داده‌ها انجام شد. به‌طوری که یک نفر تسهیل‌کننده و یک نفر یادداشت‌کننده مطالب وجود داشت که ثبت داده‌ها دقیق‌تر انجام می‌شد. تشکیل گروه‌های متمرکز مختلف در هر یک از روستاها و تکرار برخی از مسائل و نیازها توسط زنان در روستاهای مختلف نیز مؤید پایایی مناسب داده‌های گردآوری شده بود. همچنین در تأیید پایایی داده‌ها، با هماهنگی مشارکت‌کنندگان، ضبط صدا انجام شد که بدین طریق امکان مرور مجدد مصاحبه‌ها و یادداشت‌برداری دقیق اطلاعات فراهم می‌شد. ترسیم نقشه‌ها، ثبت اطلاعات خانوارها در کاربرگ‌های مقوایی و اولویت‌بندی مسائل با مشارکت زنان روستایی این فرآیند را نیز امکان‌پذیرتر کرد. به‌منظور اطمینان از روایی درونی، دقت و اعتماد به نتایج پژوهش از روش مثلث‌سازی استفاده شد. به‌گونه‌ای که اطلاعات گردآوری شده از طریق فنون مختلف همچون: گروه‌های متمرکز، انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با زنان روستایی، ده‌گردی، مشاهدات مستقیم پژوهشگر، نقشه‌کشی و تحلیل ثروت و تهیه ماتریس زوجی و نظرات کارشناسان فعال در حوزه آبخیز مورد مطالعه و نتایج پژوهش‌های قبلی انجام شده در منطقه مؤید اطلاعات جمع‌آوری شده از روستاهای مختلف مورد مطالعه بود و تکرار مسائل از سوی زنان هر یک از روستاها در تأیید داده‌های گردآوری شده مؤثر بودند.

تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی: ...

مقدار اراضی کشاورزی، ادوات کشاورزی و بافت منازل خانوارها و غیره) که برای کلیه روستاها یکسان در نظر گرفته شده بودند و امتیازبندی انجام گرفته برای هر یک از خانوارها، طبقه‌بندی خانوارها مشخص گردید که در این طبقه‌بندی جایگزین بودن فعالیت‌های معیشت در نظر گرفته شد و طبقه‌بندی طبق موارد ذکر شده در مطالب بالا انجام گرفت. نسبت خانوارهای با طبقه ضعیف در روستای قزل تپه بیات و خانوارهای با درآمد پایین در روستای قزل تپه علی‌قلی بیشتر از سایر روستاها بود. بیش از نیمی از خانوارها در روستاهای قزل تپه علی‌قلی، قزل تپه بیات و آقبلاغ در طبقه پایین قرار داشتند، در حالی که در روستای یامچی درصد بسیار کمی از خانوارها در طبقه پایین قرار گرفته بودند. همچنین بین روستاهای مورد مطالعه، نسبت خانوارهای متوسط در روستای یامچی بیشتر از سایر روستاها دیده می‌شد و فقط در روستای یامچی خانوارهای طبقه بالا زندگی می‌کردند. این امر بیانگر وضعیت مالی-فیزیکی مطلوب‌تر خانوارها در این روستا بود. در روستای گلجیک نیز وضعیت کالبدی روستا از نظر بافت منازل، فعال بودن اعضای خانوارها در زمینه فعالیت‌های گوناگون، فعالیت دهیاری، شورا و غیره به دلیل کاهش چشمگیر جمعیت، وخیم‌تر شده و در شرایط نامطلوب قرار داشت و همه خانوارها طبق امتیازبندی به دست آمده از تحلیل ثروت در طبقه پایین بودند.

خانوارهای روستایی انجام می‌شد، چرای دام در مرتع به‌عنوان فعالیت کشاورزی وابسته به مرتع مطرح می‌گردید. در واقع در کلیه روستاها دامداری وابسته به مرتع نسبت به دیگر فعالیت‌های کشاورزی کمتر وجود داشت، ولی روستاها از این لحاظ با یکدیگر تفاوت داشتند. بیشترین نسبت خانوارهای دامدار در روستای آقبلاغ (۶۲/۴ درصد) و پس از آن در روستای قزل تپه بیات (۵۷/۳ درصد) مشاهده می‌شد. در حالی که کمترین نسبت فعالیت در این نوع راهبرد معیشت در روستای یامچی دیده می‌شد (۲۴/۴ درصد). راهبرد معیشت غیر کشاورزی همچون فرش‌بافی، کارگری در امور غیر کشاورزی، نانواپی، رانندگی و غیره نیز در خانوارهای روستای قزل تپه علی‌قلی بیشتر از سایر روستاهای مورد مطالعه بود. خانوارهای روستای قزل تپه بیات با ۶۰/۶ درصد، کمترین فعالیت معیشت مرتبط با این راهبرد را داشتند. در روستای گلجیک نیز راهبردهای معیشت بین خانوارهای ساکن در روستا به ترتیب شامل راهبرد معیشت کشاورزی غیر وابسته به مرتع و کشاورزی وابسته به مرتع بود و راهبرد معیشت غیر کشاورزی نیز در خانوارهای ساکن آن وجود نداشت. نتایج تحلیل ثروت خانوارها بر اساس معیارهای ذکر شده در بخش قبل، به تفکیک در روستاهای مورد مطالعه در جدول ۴ ذکر گردیده‌اند. طبق معیارهای ذکر شده در بالا

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه

ویژگی جمعیتی	درصد خانوارها			
	یامچی	آقبلاغ	قزل تپه علی‌قلی	قزل تپه بیات
جمعیت	۱۰۷۸	۵۹۳	۴۱۱	۲۰۲
کل خانوار	۲۸۸	۱۵۶	۱۱۷	۶۱
				گلجیک
				۲۸
				۱۱

جدول ۲- مقایسه تعداد و درصد خانوارها در راهبردهای مختلف معیشت در روستاهای مورد مطالعه

روستا	قزل تپه علی‌قلی		قزل تپه بیات		آقبلاغ		یامچی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کشاورزی وابسته به مرتع، کشاورزی غیر وابسته به مرتع و غیر کشاورزی	۲۵	۲۲/۹	۱۸	۲۹/۵	۵۴	۳۸/۲	۲۲	۱۰/۱
کشاورزی وابسته به مرتع، کشاورزی غیر وابسته به مرتع	۱۵	۱۳/۷	۱۳	۲۱/۳	۲۵	۱۷/۷	۳۰	۱۳/۸
کشاورزی وابسته به مرتع و غیر کشاورزی	۸	۷/۳	۲	۳/۲	۸	۵/۶	۱	۰/۴
کشاورزی غیر وابسته به مرتع و غیر کشاورزی	۱۵	۱۳/۷	۴	۶/۵	۱۹	۱۳/۴	۶۲	۲۸/۵
غیر کشاورزی	۳۷	۳۳/۹	۱۳	۲۱/۳	۱۸	۱۲/۷	۵۰	۲۳
کشاورزی غیر وابسته به مرتع	۸	۷/۳	۹	۱۴/۷	۱۷	۱۲	۵۲	۲۳/۹
کشاورزی وابسته به مرتع	۱	۰/۹	۲	۳/۲	۱	۰/۷	۰	۰
جمع	۱۰۹	۱۰۰	۶۱	۱۰۰	۱۴۱	۱۰۰	۲۱۷	۱۰۰

جدول ۳- مقایسه تعداد و درصد خانوارها بر حسب راهبردهای سه گانه معیشت در روستاهای مورد مطالعه

روستا	قزل تپه علی قلی	قزل تپه بیات	آقبلاغ	یامچی	گلجیک
راهبرد معیشت	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد	تعداد درصد
وابسته به مرتع (دامداری)	۴۹ ۴۴/۹	۳۵ ۵۷/۳	۸۸ ۶۲/۴	۵۳ ۲۴/۴	۱۱ ۱۰۰
انجام	۶۰ ۵۵	۲۶ ۴۲/۶	۵۳ ۳۷/۵	۱۶۴ ۷۵/۵	۰ ۰
عدم انجام	۱۰۹ ۱۰۰	۶۱ ۱۰۰	۱۴۱ ۱۰۰	۲۱۷ ۱۰۰	۱۱ ۱۰۰
وابسته به مرتع (گیاهان دارویی)	۶۳ ۵۷/۷	۴۴ ۷۲/۱	۱۱۵ ۸۱/۵	۱۶۶ ۷۶/۴	۱۱ ۱۰۰
انجام	۴۶ ۴۲/۲	۱۷ ۲۷/۸	۲۶ ۱۸/۴	۵۱ ۲۳/۵	۰ ۰
عدم انجام	۸۵ ۷۷/۹	۳۷ ۶۰/۶	۹۹ ۷۰/۲	۱۳۵ ۶۲/۲	۰ ۰
انجام	۲۴ ۲۲	۲۴ ۳۹/۳	۴۲ ۲۹/۷	۸۲ ۳۷/۷	۰ ۰
عدم انجام	۲۴ ۲۲	۲۴ ۳۹/۳	۴۲ ۲۹/۷	۸۲ ۳۷/۷	۰ ۰

جدول ۴- مقایسه درصد خانوارها در طبقه‌های مختلف در روستاهای مورد مطالعه

امتیاز خانوار	طبقة خانوار	درصد خانوارها
۱۵-۰	ضعیف	۱/۴۱
۳۰-۱۶	پایین	۵۳/۱۹
۵۰-۳۱	متوسط	۴۶/۸۰
۵۱ و بیشتر	بالا	۱۷/۹۷

فعالیت‌های زنان روستایی

فعالیت‌های اهالی روستاهای مورد مطالعه و به‌ویژه فعالیت‌های زنان در دو دسته فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی قرار گرفتند که به تفکیک در جداول ۵ و ۶ آورده شده‌اند. زنان در زمینه فعالیت‌های کشاورزی در موارد ذیل نقش داشتند: کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی دیم؛ کاشت نهال، داشت و برداشت محصولات باغی، جدا کردن محصولات برداشت شده سالم و ناسالم (زردآلو، انگور و غیره)، فرآوری و خشک کردن محصولات باغی برداشت شده؛ دامداری (پرورش گوسفند، بره، بز و بزغاله، پرورش طیور بومی، پرورش گاو و گوساله و پرورش زنبور عسل)، برداشت گیاهان دارویی و خوراکی از مراتع عمدتاً جهت مصرف خانوار و در حد کمی برای فروش؛ پرورش و برداشت گل سرخ و فرآوری محصولات (فرآوری محصولات لبنی) و تهیه ترش‌جات و خیارشور و مربا بیشتر برای مصرف خانوار و در حد بسیار کم برای فروش. همچنین در زمینه‌ی غیر کشاورزی در مواردی همچون صنایع دستی نوین همچون فرش بافی و تابلو بافی ابریشمی (که به دلیل نوع فرش بافی ابریشمی که در روستا چندان قدمت ندارد نوعی نوآوری در روستا

محسوب می‌شود)، چرم‌دوزی، مکرومه‌بافی و صنایع دستی سنتی (جوراب بافی و غیره) فعال بودند.

مسائل و نیازهای مربوط به فعالیت‌های زنان روستایی

با مشخص شدن فعالیت‌های زنان روستایی، بر اساس نقل قول‌های آنان طی جلسات گروه‌های متمرکز در هر یک از روستاها، مسائل و مشکلات انسانی به‌ویژه در زمینه‌ی دانشی آنان در مورد هریک از این فعالیت‌ها مشخص گردیده و با کمک آنان اولویت‌بندی شدند و مسائل دارای اولویت بالا مورد بررسی و تحلیل عمیق قرار گرفتند. بر اساس نقل قول‌های زنان، کدها یا مفاهیمی استخراج گردید که معمولاً نشان‌دهنده مسائل مرتبط با فعالیت‌های آنان است. وضعیت مطلوب هریک از شرایط فعالیت‌ها و رفتار زنان روستایی متناسب با هریک از مسائل مذکور، از دید زنان روستایی و کارشناسان مرتبط بررسی شد. همچنین تفاوت بین وضع موجود و وضع مطلوب فعالیت‌ها مشخص گردید. وضع موجود توسط زنان روستایی و در برخی موارد بر اثر مشاهدات پژوهشگر تعیین شد و وضع مطلوب توسط زنان روستایی و در برخی موارد کارشناسان فعال در حوزه آبخیز مشخص شدند و تعیین فاصله بین دو وضع مذکور توسط پژوهشگران انجام گرفت. در جلسات گروه‌های متمرکز زنان،

نیازها در مورد شکاف بین وضعیت ظرفیت‌های موجود آن‌ها و وضعیت مطلوب برای آن ظرفیت به دست آمد. چند نمونه نقل قول زنان روستاهای مورد مطالعه در مورد مسائل مربوط به ظرفیت انسانی در جدول ۷ آورده شده است و همچنین سطح درآمد خانوارهای مربوط به هر یک از مسائل عنوان شده از سوی زنان ذکر شده است. به عنوان مثال زنان روستای آقبلاغ در مورد یکی از مسائل دانشی در زمینه‌ی یفرش بافی و تابلو بافی ابریشمی نقل قول ذیل را بیان نمودند "وقتی ما با بازار فرش ارتباط چندانی نداریم پس از طرح و نقشه مورد پسند بازار و خریداران هم اطلاع نداریم و تنها کسی که در این مورد به ما کمک می‌کند واسطه‌های فرش بافی هستند و آنان هم طرح‌هایی را به ما معرفی می‌کنند که خودشان در آن بیشتر سود کنند و اگر ما هم طرح و نقشه‌های خاصی را بخواهیم اغلب آن‌ها را در اختیار ما قرار نمی‌دهند". از این نقل قول مسئله عدم آگاهی زنان روستا از طرح و نقشه‌های به روز فرش و محافظه‌کار بودن واسطه‌ها استخراج گردید که این مسئله از سوی خانوارهای با سطح درآمد پایین و متوسط بیان شد. در روستای یامچی نیز مسئله عدم آگاهی زنان در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی از سوی زنان مطرح شد و این مسئله با توجه به نقل قول ذیل استخراج گردید: "در زمینه‌ی پرورش ماهی و قارچ اطلاعات زیادی نداریم. اگر این کلاس‌ها در روستا باشد حتماً زنان شروع به کار می‌کنند چون تقریباً مشکل سرمایه اولیه نداریم. البته در این کلاس‌ها باید به طور عملی پرورش قارچ مرحله به مرحله به ما گفته شود. بعد هم که خواستیم شروع به کار کنیم مهندس کشاورزی نظارت بر کارمان داشته باشد تا محصولمان خراب نشود." که این مسئله در خانوارهای با سطح درآمد بالا، متوسط و پایین وجود داشت. زنان روستای قزل تپه بیات نیز در زمینه‌ی سطح سواد زنان و دختران روستایی نقل قول مرتبط را بدین گونه بیان نمودند: "زنان مسن روستا بی‌سواد هستند و زنان و دختران جوان هم اکثراً پنجم ابتدایی یا تا سوم راهنمایی درس خوانده‌اند. اگر نهضت سوادآموزی در روستا باشد، زنان جوان و دختران برای ادامه تحصیلات، در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند" که مسئله پایین بودن سطح سواد زنان و دختران روستایی را مشخص می‌نمود که در خانوارهای با سطح درآمد یا طبقه متوسط، پایین و ضعیف از سوی زنان بیان شد. زنان روستای قزل تپه علی‌قلی نیز به مسئله عدم آگاهی زنان در مورد فرصت‌های جدید اشتغال غیرکشاورزی

و کمبود مهارت انجام آن‌ها اشاره نمودند که این مسئله از نقل قول آنان به شرح زیر استخراج گردید: "در روستا تا حالا دوره‌های آموزش خیاطی و آرایشگری یا گلدوزی نداشته‌ایم و چون به طور عملی کسی نمی‌تواند در حد قابل قبول خدمات آرایشگری یا دوخت لباس یا غیره انجام دهد به ناچار به روستای یامچی یا به شهر می‌رویم" و این مسئله از سوی زنان خانوارهای متوسط و پایین مطرح شد. در روستای گلجیک نیز نقل قول زنان در مورد یکی از مسائل انسانی (نیروی جسمانی لازم) از سوی زنان خانوارهای با سطح درآمد پایین بدین شرح بود: "ما توان جسمی لازم برای برداشت محصولات مثل سیب، گیلاس، زردآلو را نداریم و مردان هم چون مسن هستند همه محصولات را نمی‌توانند برداشت کنند و جوانان هم که از روستا رفته‌اند و کسی نیست در برداشت کمک کند." از نقل قول مذکور مسئله عدم توان جسمی افراد در برداشت محصولات باغی مختلف استخراج گردید که به ظرفیت انسانی مربوط می‌شود و از نقل قول مذکور می‌توان به مسئله برهم خوردن ترکیب سنی در روستا و پیرشدن جمعیت هم پی برد.

کلیه مسائل موجود در زمینه‌ی ظرفیت انسانی به اختصار در جدول ۸ آورده شده است. با توجه به اطلاعات جدول مذکور برخی مسائل مرتبط با آن‌ها در کلیه روستاها مشترک است که مربوط به مسئله عدم آگاهی زنان از روش‌های حفاظت از منابع طبیعی مختلف از جمله مراتع، گیاهان دارویی و منابع آب می‌باشد. در حالی که برخی از نیازها مختص برخی روستاها می‌باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به بهبود سطح سواد زنان روستاهای قزل تپه علی‌قلی، قزل تپه بیات و آقبلاغ اشاره نمود. این مسئله در روستای یامچی به دلیل سطح سواد بالای نسبی افراد مطرح نشد و در روستای گلجیک نیز به دلیل مسن بودن افراد از سوی آنان به این مسئله اشاره نشده است. سایر مسائل مرتبط به آن‌ها نیز به تفکیک روستاها در جدول ۸ بیان شده است. بر اساس تحلیل ماتریس زوجی مسائل، اولویت‌بندی شدند و بر اساس پیشنهادی‌های زنان روستایی و کارشناسان مربوطه ظرفیت‌سازی آن‌ها تعیین گردید. لازم به ذکر است که برخی از مسائل از طریق مشاهدات پژوهشگر در محیط روستا و مطالعات پیشین شناسایی شدند که در ماتریس زوجی از سوی زنان مورد مقایسه قرار نگرفتند و در جدول ۸ نیز رتبه این مسائل بیان نشده است.

علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران / جلد ۱۴ / شماره ۱ / ۱۳۹۷

جدول ۵- فعالیت‌های خانوارها در زمینه‌ی کشاورزی برحسب راهبردهای موجود در روستاهای مورد مطالعه

گلجیک		یامچی		آقبلاغ		قزل‌تپه بیات		قزل‌تپه علی‌قلی		نوع فعالیت در روستا	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
۱۰۰	۱۱	۵۳/۴	۱۱۶	۷۸/۷	۱۱۱	۵۲/۴	۳۲	۵۱/۳	۵۶		کاشت محصولات زراعی (دیم)
۱۰۰	۱۱	۷۰/۵	*۱۵۳	۶۰/۲	۸۵	۵۰/۸	۳۱	۲۱/۱	۲۳		کاشت محصولات زراعی (آبی)
۱۰۰	۱۱	۵۰/۲	۱۰۹	۶۳/۱	۸۹	۶۷/۲	۴۱	۳۸/۵	۴۲		کاشت نهال باغی
۱۰۰	۱۱	۵۳/۴	۱۱۶	۷۸/۷	۱۱۱	۵۲/۴	۳۲	۵۱/۳	۵۶		داشت محصولات زراعی (دیم)
۱۰۰	۱۱	۷۰/۵	*۱۵۳	۶۰/۲	۸۵	۵۰/۸	۳۱	۲۱/۱	۲۳		داشت محصولات زراعی (آبی)
۱۰۰	۱۱	۵۰/۲	۱۰۹	۶۳/۱	۸۹	۶۷/۲	۴۱	۳۸/۵	۴۲		داشت محصولات باغی
۱۰۰	۱۱	۵۳/۴	۱۱۶	۷۸/۷	۱۱۱	۵۲/۴	۳۲	۵۱/۳	۵۶		برداشت محصولات زراعی (دیم)
۱۰۰	۱۱	۷۰/۵	*۱۵۳	۶۰/۲	*۸۵	۵۰/۸	*۳۱	۲۱/۱	*۲۳		برداشت محصولات زراعی (آبی)
۱۰۰	*۱۱	۵۰/۲	*۱۰۹	۶۳/۱	*۸۹	۶۷/۲	*۴۱	۳۸/۵	*۴۲		برداشت محصولات باغی
۱۰۰	*۱۱	۵۰/۲	*۱۰۹	۶۳/۱	*۸۹	۶۷/۲	*۴۱	۳۸/۵	*۴۲		جدا کردن محصولات باغی برداشت‌شده سالم و ناسالم مختلف
۱۰۰	*۱۱	۵۰/۲	*۱۰۹	۶۳/۱	*۸۹	۶۷/۲	*۴۱	۳۸/۵	*۴۲		فرآوری و خشک کردن محصولات باغی برداشت‌شده
.	.	۱۶/۵	*۳۶	۱۹/۸	*۲۸	۳/۲	*۲	۰/۹	*۱		دامداری (گاو و گوساله)
۱۰۰	*۱۱	۸/۷	*۱۹	۵۲/۴	*۷۴	۵۴	*۳۳	۴۳/۱	*۴۷		دامداری (گوسفند، بز، بره و بزغاله)
۱۰۰	*۱۱	۲۴/۴	*۵۲	۴۸/۲	*۶۸	۵۷/۳	*۲۵	۴۴	*۴۸		فرآوری محصولات لبنی
۱۰۰	*۱۱	۷۶/۴	*۱۶۶	۸۱/۵	*۱۱۵	۷۲/۱	*۴۴	۵۷/۷	*۶۳		تهیه ترشیجات و خیارشور و مربا و غیره
۱۰۰	*۱۱	۱۰۰	*۲۱۷	۱۰۰	*۱۴۱	۱۰۰	*۶۱	۱۰۰	*۱۰۹		برداشت گیاهان دارویی و مرتعی
۲۷/۲	*۳	۱/۳	*۳	۹/۲	*۱۳	۱/۶	*۱	۰/۹	*۱		پرورش زنبور عسل
۱۰۰	*۱۱	۱۹/۳	*۴۲	۹۷/۸	*۱۳۸	۹۵	*۵۸	۴۱/۲	*۴۵		پرورش طیور بومی
.	.	.	.	۴/۲	*۶	۹/۸	*۶	۴/۵	*۵		پرورش گل سرخ

توضیح: علامت * نشان دهنده‌ی حضور زنان روستایی در انجام فعالیت‌ها و عدم وجود علامت * نشان دهنده‌ی فعالیت‌هایی که توسط مردان انجام گرفته است

جدول ۶- فعالیت‌های غیر کشاورزی افراد برحسب راهبردهای موجود در روستاهای مورد مطالعه

گلجیک		یامچی		آقبلاغ		قزل‌تپه بیات		قزل‌تپه علی‌قلی		نوع فعالیت در روستا	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		
.	.	۲/۷	*۶	۵۴/۶	*۷۷	۲۴/۵	*۱۵	۶/۴	*۷		فروش بافی و تابلو بافی
.	.	۲/۳	*۵		گلیم بافی
.	.	۰/۹	۲	۱/۴	*۲	۱/۶	۱	۰/۹	*۱		خیاطی
.	.	.	.	۱/۴	۲	۶/۵	۴	۰/۹	۱		نانوایی در خارج از منزل
.	.	۴۲/۳	۹۲	۱/۴	۲	۳/۲	۲	۷/۳	۸		رانندگی
.	.	.	.	۲۱/۲	۳۰	۱۸	۱۱	۳۳	۳۶		کارگر کشاورزی
.	.	۱۴/۲	۳۱	۲۳/۴	۳۳	۲۹/۵	۱۸	۶۰/۵	۶۶		فعالیت ساختمانی
.	.	۰/۹	*۲	۰/۷	*۱	.	.	۰/۹	*۱		فروشنده‌ی در مغازه
.	.	۰/۹	*۲		ترمه‌دوزی
.	.	۱/۳	*۳		مکرومه بافی
.	.	۰/۴	*۱		چرم‌دوزی
.	.	۰/۴	*۱	۰/۷	۱	.	.	۰/۹	۱		کارمند

*حضور زنان روستایی در انجام فعالیت‌ها

تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی: ...

جدول ۷- نقل قول‌های زنان در مورد مسائل بیان شده در روستاهای مورد مطالعه			
نام روستا	زمینه مسأله/کد	نقل قول‌ها	مشکل (مفاهیم)
			طبقه خانوارها
قرزل تپه علی‌قلی	فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی	در روستا تا حالا دوره‌های آموزش خیاطی و آرایشگری یا گلدوزی نداشته‌ایم و چون به‌طور عملی کسی نمی‌تواند در حد قابل قبول خدمات آرایشگری یا دوخت لباس یا غیره انجام دهد به ناچار به روستای یامچی یا به شهر می‌رویم	عدم آگاهی زنان در مورد فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی و کمبود مهارت انجام آن‌ها
	خشک نمودن محصولات باغی	در زمان خشک کردن زردآلو یا آلبو آن را روی یک پارچه جلوی آفتاب قرار می‌دهیم تا خشک شود. بعضی‌ها بر روی میوه یک توری هم می‌کشند.	عدم آگاهی مناسب در خشک نمودن بهداشتی و بازارپسند محصولات باغی
	خشک کردن محصولات باغی برداشت‌شده	در زمان خشک کردن زردآلو یا آلبالو آن را در پشت‌بام خانه بر روی یک پارچه پهن کرده و بعد از مدتی با نور آفتاب خشک می‌شود.	عدم آگاهی مناسب در زمینه‌ی خشک نمودن بهداشتی و بازارپسند محصولات باغی
قرزل تپه بیات	سطح سواد	زنان مسن روستا بی‌سواد هستند و زنان و دختران جوان هم اکثراً پنجم ابتدایی یا تا سوم راهنمایی درس خوانده‌اند. اگر نهضت سوادآموزی در روستا باشد، زنان جوان و دختران برای ادامه تحصیلات، در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند.	پایین بودن سطح سواد
	فرش بافی	وقتی ما با بازار فرش ارتباط چندانی نداریم پس از طرح و نقشه مورد پسند بازار و خریداران هم اطلاع نداریم و تنها کسی که در این مورد به ما کمک می‌کند واسطه‌های فرش بافی هستند. آنان هم طرح‌هایی را به ما معرفی می‌کنند که خودشان در آن بیشتر سود کنند و اگر ما هم طرح و نقشه‌های خاصی را بخواهیم اغلب آن‌ها را در اختیار ما قرار نمی‌دهند. ما که در زمینه‌ی صنعت فرش بافی و بازار آن فعالیت نداریم تا بدانیم کدام طرح و نقشه مشتری‌پسند است اگر حتی نقشه به‌روز هم بی‌فایده خریداران سعی می‌کنند با قیمت پایین آن را از ما بخرند.	عدم آگاهی زنان روستا از طرح و نقشه‌های به‌روز فرش و محافظه-کار بودن واسطه‌ها
	منابع طبیعی	گیاهان دارویی مثل ختمی، چیدم، شنگ و این‌طور گیاهان از وقتی که هوا گرم شده و گیاهان رشد کردند را می‌چینیم. در این روستا رسم زنان بر این است از وقتی هوا گرم شد (کافی است بهار شروع شود) برای چیدن گیاهان دارویی و مرتعی به صحرا می‌روند و آن‌ها را به دوره‌گردها می‌فروشند. از قدیم در روستا مرسوم بوده مواقعی که هوا خوب است دام‌ها به صحرا برده شوند. ما در مورد زمان مناسب بردن گوسفندان به چرا یا نگهداری آنان در روستا و تغذیه از طریق علوفه دستی چیزی نمی‌دانیم.	عدم آگاهی زنان از روش‌های حفاظت از منابع طبیعی

ادامه جدول ۷

نام روستا	زمینه مسأله/کد	نقل قولها	مشکل (مفاهیم)	طبقه خانوارها
یامچی	فعالیت‌های نوین کشاورزی	در زمینه‌ی پرورش ماهی و قارچ اطلاعات زیادی نداریم. اگر این کلاس‌ها در روستا باشد حتماً زنان شروع به کار می‌کنند چون مشکل سرمایه اولیه نداریم. البته در این کلاس‌ها باید به‌طور عملی پرورش قارچ مرحله به مرحله به ما گفته شود. بعد هم که خواستیم شروع به کار کنیم مهندس کشاورزی نظارت بر کارمان داشته باشد محصولمان خراب نشود.	عدم آگاهی زنان در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی	بالا، متوسط و پایین
گلجیک	فروش محصولات فرآوری شده	بیشتر خانم‌ها در روستا از نوع محصول فرآوری شده که در بازار تقاضای بیشتری دارند، آگاهی ندارند و اکثراً فقط مشغول به تولید رب گوجه‌فرنگی و ترشیجات هستند (صحبت چند نفر از خانم‌های موفق در زمینه‌ی تولید محصولات فرآوری شده)	عدم آگاهی زنان از تهیه محصولات فرآوری شده با بازار مصرف بالا	بالا، متوسط و پایین
گلجیک	تهیه و فروش خشکبار	در خشک کردن محصولات باغی (زردآلو و آلو و غیره) توان جسمی نداریم تا جایی که بتوانیم آن‌ها را خشک می‌کنیم و اگر نتوانیم محصولاتمان بر روی درخت می‌ماند.	ناتوانی جسمی در تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب	پایین
گلجیک	برداشت محصولات باغی	خودمان که توان جسمی برای برداشت محصولات نداریم و اگر بخواهیم کارگر برای برداشت بیاوریم صرفه اقتصادی برایمان ندارد و محصولاتمان بر روی درخت مانده و خراب می‌شود.	عدم توان جسمی افراد در برداشت محصولات باغی	پایین

از دیدگاه زنان روستایی، وضعیت مطلوب مربوط به مسائل دانشی زنان، باید در جهتی هدایت شود که آن‌ها در مورد هریک از زمینه‌های شناسایی شده به شرح زیر آگاهی و مهارت کافی داشته باشند:

برداشت محصولات باغی؛ تهیه محصولات خشکبار باغی؛ فرآوری و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی متناسب با نیاز بازار مصرف؛ شناخت و تهیه طرح و نقشه‌های به روز و جدید فرش و داشتن مهارت لازم برای بافت آن‌ها؛ فرصت‌های جدید اشتغال غیرکشاورزی همچون خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری در روستا؛ روش‌های حفاظت از منابع طبیعی همچون زمان ورود و خروج دام به مرتع، روش‌های اصلاح و احیای مراتع، حفاظت و احیای خاک از طریق نهال کاری؛ فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی همچون پرورش قارچ، طیور صنعتی، پرورش گیاهان دارویی و مرتعی، پرورش صیغ گل محمدی و عرق‌گیری و اسانس‌گیری از آن؛ سطح سواد بالای زنان روستایی به‌منظور کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی لازم؛ سهولت در انجام کار فرش‌بافی (در روستای قزل تپه

طبق اولویت‌بندی مسائل از سوی زنان روستاهای مختلف به غیر از روستای گلجیک که به دلیل مسن بودن و کم جمعیت بودن اهالی روستا مسائل عدم توان جسمی افراد در اولویت مشکلات آنان بود. در سایر روستاهای مورد مطالعه اولویت‌بندی مسائل زنان در عدم آگاهی و مهارت لازم آنان در زمینه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی است. طبق اولویت‌بندی انجام گرفته در کلیه روستاها عدم آگاهی در زمینه‌ی حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست روستایی جزء اولویت‌های آخر آنان محسوب می‌شد و لذا باید در زمینه‌ی اهمیت و حفظ دو مسأله مذکور و ایجاد حساسیت در افراد روستایی نسبت به آن‌ها اقدامات لازم صورت گیرد. لازم به ذکر است که با انجام تحلیل ثروت امتیازبندی و رتبه‌بندی خانوارها در مورد هریک از مسائل عنوان شده تعیین گردید که به تفکیک رتبه‌بندی مسائل در هر یک از روستاها در جدول ذیل آورده شده است. طبق اطلاعات ذکر شده در جدول ۸ اولویت‌بندی زنان در مورد مسائل در روستاهای مختلف را نشان می‌دهد.

روش‌های چگونگی احیای مراتع و حفاظت و احیای خاک. همان‌گونه که قبلاً ذکر شد این نیاز زنان به‌صورت غیر محسوس در جامعه روستایی وجود داشت و بر اساس مشاهدات پژوهشگر و دیدگاه‌های کارشناسان منطقه ارزیابی گردید. در واقع، اغلب نیازهای معیشت خانوارها و زنان در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با منابع طبیعی مختلف بود و با ادامه روند فعالیت‌های معیشت خانوارها و وضع نامناسب منابع طبیعی مختلف، نابودی منابع مذکور خطری جدی محسوب می‌شد؛

- تغییر نگرش هریک از زنان روستایی در مورد مدیریت صحیح زباله‌ها و فضولات دامی در محیط داخل و خارج روستا؛

- بهبود دانش و مهارت زنان در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی همچون پرورش قارچ، طیور صنعتی، پرورش گیاهان دارویی و مرتعی، پرورش گل سرخ و غیره؛

- بهبود سطح سواد زنان روستایی به‌منظور حضور و فعالیت آنان در زمینه‌های گوناگون کشاورزی و غیر کشاورزی؛

- بهبود وضع سختی کار فرش‌بافان و ارائه خدمات لازم به آن‌ها؛

- بهبود شرایط توجه نهادهای بیرونی به حضور نیروی انسانی متخصص کافی برای ارائه خدمات پزشکی به روستاییان؛

- بهبود دانش، آگاهی و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر به‌منظور تولید محصولات فرآوری متنوع؛

- فراهم نمودن شرایط برای بازگشت جوانان به روستا و ورود نیروی جوان‌تر به روستا و افزایش نیروی انسانی در روستا به‌منظور برداشت محصولات باغی؛ تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب و برداشت گیاهان دارویی و خوراکی.

در جدول ۹ نیز کلیه مسائل زنان روستاهای مورد مطالعه و وضع مطلوب و نیاز متناسب با آن‌ها به‌طور منسجم آورده شده است.

بیات؛ حضور نیروی انسانی متخصص در روستا به‌منظور ارائه خدمات پزشکی مداوم به روستاییان؛ فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر و آگاهی و مهارت کافی در روستای یامچی؛

با توجه به دید کارشناسان مربوطه، وضع مطلوب مربوط به مسائل انسانی زنان، طوری بود که از طریق بازگشت جوانان به روستا و ورود نیروی جوان‌تر و افزایش نیروی انسانی در روستا زنان و دختران جوان روستایی در زمینه‌های زیر توان جسمی لازم را داشته باشند: برداشت محصولات باغی؛ تهیه محصولات خشکبار با کیفیت. همچنین آنان در موارد زیر نگرش و انگیزه مناسب را پیدا می‌کردند: شناخت کافی و نگرش صحیح تک‌تک زنان نسبت به اثرات منفی مدیریت نادرست فضولات دامی در محیط روستا و چگونگی مدیریت مناسب زباله‌ها در محیط روستایی.

با مقایسه وضع موجود و وضع مطلوب هریک از مسائل بیان‌شده و تعیین شکاف بین دو وضع مذکور، نیازهای مربوط به هریک از مسائل عنوان‌شده به شرح زیر بیان شده‌اند که برآورده کردن هریک از این نیازها مستلزم راهکارهای ظرفیت‌سازی ویژه است.

نیازهای شناسایی‌شده در زمینه‌ی ظرفیت‌های انسانی (دانش و مهارت زنان روستایی، توان جسمانی افراد) عبارت بودند از:

- بهبود دانش و مهارت در برداشت محصولات باغی؛
- بهبود دانش و مهارت در تهیه محصولات خشکبار باغی؛
- بهبود دانش و مهارت در زمینه‌ی فرآوری متناسب با نیاز بازار مصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی؛
- بهبود دانش زنان در زمینه‌ی شناخت و دسترسی به طرح و نقشه‌های به روز فرش و داشتن مهارت لازم برای بافت آن‌ها؛

- بهبود دانش و مهارت در زمینه‌ی فرصت‌های اشتغال جدید غیر کشاورزی همچون خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری در روستا؛

- بهبود دانش و مهارت در زمینه‌ی روش‌های حفاظت از منابع طبیعی همچون زمان ورود و خروج دام به مرتع،

جدول ۸- مقایسه نیازهای مربوط به ظرفیت انسانی زنان و رتبه‌بندی آن‌ها در روستاهای مورد مطالعه

مسائل زنان روستایی	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه
علی‌قلی	مسائل	بیات	قرن‌تپه	رتبه	آقبلاغ	رتبه	یامچی	رتبه	گلجیک
مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل	مسائل
عدم آگاهی و مهارت زنان در برداشت محصولات باغی مختلف	*	۴	*	۷	*	۵	-	-	-
عدم آگاهی و مهارت زنان در تهیه محصولات خشکبار باغی با کیفیت	*	۴	*	۵	*	۶	-	-	*
عدم آگاهی و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی	*	۲	*	۴	*	۴	-	-	-
سختی کار فرش‌بافان و ارائه خدمات لازم به آن‌ها و تغییر شرایط درآمدزایی فرش‌بافان	-	-	*	۱	-	-	-	-	-
عدم دانش و مهارت زنان برای بافت فرش‌های با طرح‌های روز	*	۳	*	۲	*	۴	-	-	-
عدم آگاهی روز و مهارت زنان در زمینه‌ی فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی	*	۱	*	۱	*	۲	-	-	-
کم اهمیت تلقی شدن پراکندگی زباله‌ها و فضولات دامی در محیط روستا از سوی تک تک زنان روستایی (نگرش زنان)	*	-	*	-	*	-	-	-	*
عدم دانش زنان در زمینه‌ی روش‌های حفاظت از منابع طبیعی	*	۶	*	۶	*	۷	*	۳	*
پایین بودن سطح سواد زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی	*	۵	*	۷	*	۳	-	-	-
عدم دانش و مهارت زنان روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی	*	۳	*	۲	*	۳	*	۱	-
نبود نیروی انسانی کافی برای ارائه خدمات پزشکی و توجه نهادهای بیرونی به حضور مداوم پزشک در روستا	-	-	*	۳	*	۱	-	-	-
عدم آگاهی و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر به‌منظور تولید محصولات فرآوری متنوع	-	-	-	-	-	-	*	۲	-
عدم توان جسمانی زنان در برداشت محصولات باغی	-	-	-	-	-	-	-	-	*
عدم توان جسمانی زنان روستا به‌منظور تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب	-	-	-	-	-	-	-	-	*
عدم توان جسمانی زنان در برداشت گیاهان دارویی و خوراکی	-	-	-	-	-	-	-	-	*

* وجود مسأله، - عدم وجود مسأله

** اعداد داخل جدول رتبه مسأله را نشان می‌دهند.

تحلیل نیازهای اطلاعاتی زنان روستایی جهت مدیریت پایدار منابع طبیعی: ...

جدول ۹- وضعیت موجود و مطلوب دانش و مهارت زنان و نیازهای استخراج شده از آن در روستاهای مورد مطالعه		
مسائل/وضع موجود	وضع مطلوب	نیاز
عدم دانش و مهارت زنان برای برداشت محصولات باغی مختلف	داشتن آگاهی و مهارت مناسب در برداشت محصولات باغی	بهبود دانش و مهارت زنان برای برداشت محصولات باغی مختلف
عدم دانش و مهارت زنان برای تهیه محصولات خشکبار باغی با کیفیت	داشتن آگاهی و مهارت کافی در تهیه محصولات خشکبار باغی	بهبود دانش و مهارت زنان برای تهیه محصولات خشکبار باغی با کیفیت
عدم دانش و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی	داشتن آگاهی و مهارت لازم در فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی	بهبود دانش و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته‌بندی مناسب محصولات لبنی
سختی کار فرش‌بافان و ارائه خدمات لازم به آن‌ها - ها و تغییر شرایط درآمدزایی فرش‌بافان	سهولت انجام کار فرش‌بافی توسط فرش‌بافان و به‌ویژه زنان روستایی	بهبود وضع سختی کار فرش‌بافان و ارائه خدمات لازم به آن‌ها و تغییر شرایط درآمدزایی فرش‌بافان
عدم دانش و مهارت زنان برای بافت فرش‌های با طرح‌های روز	آگاهی و شناخت مناسب زنان از طرح و نقشه‌های روز فرش و داشتن مهارت لازم برای بافت	بهبود دانش و مهارت زنان برای بافت فرش‌های با طرح‌های روز
عدم آگاهی روز و مهارت زنان در زمینه‌ی فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی	داشتن آگاهی و مهارت روز زنان در مورد فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی	بهبود وضع آگاهی روز و مهارت زنان در زمینه‌ی فرصت‌های جدید اشتغال غیر کشاورزی
کم اهمیت تلقی شدن پراکندگی زبانه‌ها و فضولات دامی در محیط روستا توسط تک تک زنان روستایی	شناخت کافی و نگرش مساعد تک تک زنان در مورد پراکندگی زبانه‌ها و فضولات دامی در محیط روستا	تغییر نگرش و انگیزه هریک از روستاییان و زنان در مورد پراکندگی زبانه‌ها و فضولات دامی در محیط روستا
عدم دانش زنان در زمینه‌ی روش‌های حفاظت از منابع طبیعی	آگاهی کافی و مناسب زنان از روش‌های حفاظت از منابع طبیعی	بهبود دانش زنان در زمینه‌ی روش‌های حفاظت از منابع طبیعی
پایین بودن سطح سواد زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی	سطح سواد بالای زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی	بهبود سطح سواد زنان روستایی برای کسب اطلاعات کشاورزی و غیر کشاورزی
عدم دانش و مهارت زنان روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی	آگاهی و مهارت داشتن زنان روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی	بهبود دانش و مهارت زنان روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی
نبود نیروی انسانی کافی برای ارائه خدمات پزشکی و توجه نهادهای بیرونی به حضور مداوم پزشک در روستا	حضور نیروی انسانی متخصص در روستا به‌منظور ارائه خدمات پزشکی به مداوم به روستاییان	بهبود شرایط وجود نیروی انسانی کافی برای ارائه خدمات پزشکی و توجه نهادهای بیرونی به حضور مداوم پزشک در روستا
عدم آگاهی و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر به‌منظور تولید محصولات فرآوری متنوع	آگاهی و مهارت داشتن زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر	بهبود آگاهی و مهارت زنان در زمینه‌ی فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر به‌منظور تولید محصولات فرآوری متنوع
عدم توان جسمانی زنان در برداشت محصولات باغی	داشتن توان جسمانی زنان روستا برای برداشت محصولات باغی	بهبود توان جسمانی زنان در برداشت محصولات باغی
عدم وضع توان جسمانی زنان روستا به‌منظور تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب	داشتن توان جسمانی زنان روستا به‌منظور تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب	بهبود وضع توان جسمانی زنان روستا به‌منظور تهیه محصولات خشکبار با کیفیت مطلوب
عدم وضع توان جسمانی زنان در برداشت گیاهان دارویی و خوراکی	داشتن توان جسمانی لازم در زنان روستا به‌منظور برداشت گیاهان دارویی و خوراکی	بهبود وضع توان جسمانی زنان در برداشت گیاهان دارویی و خوراکی

ظرفیت‌سازی نیازهای شناسایی شده

ظرفیت‌سازی نیازها با استفاده از مدیریت جامع و مشارکتی در حوزه‌های آبخیز امکان‌پذیر است. در صورتی که زمینه مشارکت مردم محلی فراهم گردد با همکاری و هماهنگی مردم محلی از جمله زنان روستایی و نهادهای مربوطه مدیریت جامع اعمال می‌گردد. برآورده نمودن نیازها نیز

مستلزم ظرفیت‌سازی مناسب در زمینه‌ی سرمایه‌های انسانی است. بر اساس پیشنهادها و نظرات زنان روستایی، در جهت کاهش یا برطرف نمودن نیازهای مرتبط با برداشت و فرآوری محصولات باغی و لبنی، فرآوری محصولات با بازار مصرف بالا، فعالیت‌های نوین کشاورزی، روش‌های حفاظت از منابع طبیعی و بهبود مسأله پراکندگی زبانه‌ها و فضولات دامی در

مورد روش‌های حفاظت از منابع طبیعی وجود دارد که هرچند مسئله مذکور توسط زنان به‌طور مستقیم اشاره نشده است اما با توجه به بررسی مطالعات قبلی انجام گرفته در منطقه و مشاهدات پژوهشگر در کلیه روستاهای مورد مطالعه، مسأله مذکور در همه روستاها به‌طور جدی وجود داشت، اما نیاز مذکور به دلیل اینکه سایر نیازها اغلب در ارتباط مستقیم با معیشت زنان و خانوارشان بود از سوی آنان مورد تأکید قرار نگرفت. با توجه به اینکه در کلیه روستاهای مورد مطالعه، منابع طبیعی نقش کلیدی و ارزشمند در برآورده نمودن نیازهای معیشت خانوارها دارند و به دنبال آن تأثیری که بر منابع طبیعی می‌گذارند، نبود یا کمبود اطلاعات زنان در زمینه‌ی مذکور زیان‌های جبران‌ناپذیری بر منابع طبیعی منطقه می‌گذارد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات کرمی‌دهکردی و همکاران (۱۳۹۵)، صابری و کرمی‌دهکردی (۱۳۹۱) و سازمان غیردولتی داوطلبان آفریقا (Volunteers For Africa, 2009) نیز همسویی داشت و در کلیه این مطالعات نیز به‌ضرورت ترویج و دانش‌افزایی روستاییان در زمینه‌ی روش‌های حفظ منابع طبیعی همچون تخریب مراتع، روش‌های صحیح اصلاح مراتع، زمان ورود و خروج دام از مرتع، زمان آمادگی مرتع برای ورود و چرای دام و نحوه بهره‌برداری صحیح اشاره شده است. در زمینه‌ی نیازهای مربوط به فعالیت‌های ویژه زنان، عدم آگاهی آنان در مورد کاشت گیاهان دارویی و برداشت صحیح و به‌موقع آن‌ها بر این منابع تأثیر منفی چشمگیری دارد. به‌طوری که با توجه به برداشت گسترده گیاهان دارویی و مرتعی در برخی روستاها و نیاز شناسایی شده در زمینه‌ی ضعف دانش زنان در مورد روش‌های حفظ منابع طبیعی، ادامه روند برداشت گیاهان دارویی در این مناطق خسارت زیادی بر این منابع وارد می‌نماید. با توجه به وجود چنین شرایطی در برداشت گسترده گیاهان دارویی، ضعف دانشی زنان در زمینه‌ی کاشت این محصولات روند تخریب منابع طبیعی را مضاعف می‌نماید، زیرا از جهتی برداشت بی‌رویه این گیاهان توسط زنان و از سوی دیگر عدم انجام فعالیت‌هایی در جهت کشت این گیاهان منجر به نابودی تدریجی بسیاری از گونه‌های دارویی و مرتعی می‌شود. این یافته‌ها نیز با نتایج مطالعه مهدوی و همکاران (۱۳۹۰) همسویی دارد و به نبود یا کمبود دانش و آگاهی زنان روستایی و تأثیر آن بر میزان بهره‌برداری از محصولات فرعی جنگل‌ها و مراتع اشاره شده است. در

محیط روستا اقداماتی نظیر تهیه و ارائه برنامه‌های آموزشی-ترویجی و بهره‌گیری از فنون گروهی ارائه خدمات ترویجی همچون برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی به زبان محلی منطقه و ارائه برنامه‌های تهیه شده از طریق رسانه‌های جمعی می‌تواند راهگشا باشد. همچنین بهره‌گیری از فنون انفرادی از طریق کارشناسان ترویج در حیطه‌های مذکور از طریق سازمان جهاد کشاورزی، اداره منابع طبیعی و دیگر کنشگران مرتبط در رفع نیازهای عنوان شده مؤثر می‌باشد. نیازهای دانشی زنان در زمینه‌ی شناخت، تهیه طرح و نقشه‌های به روز فرش‌بافی از طریق تدارک برنامه‌های ترویجی مناسب از سوی سازمان‌هایی همچون اتحادیه فرش‌بافی و سایر کنشگران مربوطه برآورده می‌شود. نیازهای دانشی-مهارتی مربوط به فرصت‌های اشتغال غیر کشاورزی نیز از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی-ترویجی مختلف همچون خیاطی، صنایع دستی و آرایشگری توسط مربی‌های سازمان فنی و حرفه‌ای یا کارآفرینان خصوصی خارج از روستا قابل برطرف شدن است. نیاز موجود در زمینه‌ی سطح دانش و سواد زنان نیز از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی نهضت سوادآموزی از طریق سازمان آموزش و پرورش قابل برآورده شدن است. با توجه به پیشنهادهاى زنان روستایی رفع نیاز مربوط به سختی کار فرش‌بافان نیازمند ظرفیت‌سازی انسانی آنان از طریق ارائه خدمات بیمه درمانی لازم به فرش‌بافان توسط نهادهای بیرونی همچون سازمان خدمات درمانی روستایی امکان‌پذیر است. همچنین برآورده نمودن نیاز مربوط به بهبود شرایط حضور مداوم پزشک در روستا از طریق نهادهای بیرونی همچون اداره بهداشت و درمان به‌منظور تأمین نیروی انسانی کافی و حضور مداوم پزشک در روستا امکان‌پذیر بود.

طبق پیشنهادهای کارشناسان نیز برآورده نمودن نیازهای مربوط به ظرفیت انسانی ناشی از ناتوانی جسمی افراد در انجام فعالیت‌های مختلف از طریق فراهم نمودن شرایط لازم برای بازگشت نیروی انسان جوان مهاجرت‌کننده از روستا بود، به‌طوری که عدم توان جسمانی افراد مسن روستا مانع انجام فعالیت‌های زراعی و برداشت گیاهان دارویی به‌طور گسترده و تهیه محصولات با کیفیت خشکبار نشود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

تحلیل مسائل مطرح‌شده از سوی زنان مشخص نمود که در همه روستاهای مورد مطالعه، ضعف دانش و آگاهی زنان در

و مهارت زنان در زمینه‌ی فرصت‌های جدید اشتغال غیرکشاورزی نیاز به کسب اطلاعات کافی و مناسب دارند. البته ضرورت هر یک از آن‌ها در سه روستای مذکور، متفاوت است. به طوری که با توجه به گسترده بودن فعالیت‌های فرش‌بافی و دامداری در روستای آقبلاغ، افزایش دانش زنان در زمینه‌های مذکور ضروری‌تر می‌باشد، ولی در دو روستای قزل تپه علی‌قلی و قزل تپه بیات با توجه به محدود بودن فعالیت فرش‌بافی و دامداری نیاز مربوط به این زمینه‌ها در این دو روستا نسبت به روستای آقبلاغ کمتر است، اما در هر سه روستای مذکور نیاز مربوط به دانش و مهارت زنان در زمینه‌ی فعالیت‌های غیرکشاورزی و برداشت محصولات باغی به یک نسبت از سوی زنان بیان شد. همچنین نتایج حاصل از بررسی نشان داد نیاز مربوط به سختی کار فرش‌بافان و ارائه خدمات لازم به آن‌ها و تغییر شرایط درآمدزایی فرش‌بافان صرفاً از سوی زنان بیان شده است.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که در بیشتر روستاها ضرورت دارد که به زنان و خانوارهای آنان در مورد عواقب ناشی از پراکندگی زباله‌ها و فضولات دامی در محیط روستا اطلاعات لازم را ارائه داد و نگرش آنان را در مورد نیاز مذکور تغییر داد. به طوری که پراکنده بودن زباله‌ها و فضولات دامی در کوچه‌ها توسط تک تک اهالی روستا به عنوان یک ناهنجاری و رفتار نامناسب تلقی شده و نگرش و ارزش اجتماعی افراد در جهت پراکنده نشدن زباله‌ها و مدیریت آن‌ها در محیط روستا متمایل شود.

نتایج حاصل در مورد سطح سواد زنان روستایی نشان داد نیاز مربوط به این زمینه در بیشتر روستاها از سوی زنان مورد تأکید قرار گرفته است. پایین بودن سطح سواد زنان، به ویژه سواد تابعی، بر توانمندسازی آن‌ها در زمینه‌ی فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی مؤثر است. پایین بودن سطح سواد در افزایش بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع طبیعی به ویژه گیاهان دارویی تأثیر چشمگیری دارد. این یافته نیز با نتایج مطالعه توفیقیان اصل و میزبان (۱۳۹۲) در زمینه‌ی تأثیر سطح سواد بر توانمندسازی زنان در راستای حفظ منابع طبیعی هم‌سو می‌باشد. نیاز مربوط به وجود نیروی پزشک و حضور مداوم آن از سوی زنان نیز مورد تأکید قرار گرفت و این امر ناشی از شدت نیاز زنان و خانوارهایشان به حضور پزشک در روستا می‌باشد. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد در زمینه‌ی نیاز

زمینه‌ی سایر فعالیت‌های مرتبط با منابع طبیعی که زنان به طور غیرمستقیم در آن‌ها مشارکت دارند مانند فعالیت‌های زراعی، چرای دام‌ها و غیره، ضعف دانش زنان در افزایش تخریب منابع طبیعی بر اثر این فعالیت‌ها مؤثر است. در بیشتر روستاها نیاز مربوط به دانش مهارت زنان روستایی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود و نوین کشاورزی شناسایی شده است. با توجه به شیوه‌های معیشت روستاهای مذکور و وابستگی خانوارها به فعالیت‌های زراعی و فشار بیش از حد بر منابع طبیعی در اثر انجام این فعالیت‌ها، افزایش دانش زنان در مورد فعالیت‌های موجود کشاورزی از جمله کاشت، داشت و برداشت محصولات زراعی دیم، آبی و باغی در بهره‌برداری مناسب از منابع طبیعی راهگشا است. همچنین فعالیت‌های دامپروری که توسط خانوارهای روستایی انجام می‌شود و یادگیری روش‌های صحیح کشت محصولات موجود در افزایش بازده فعالیت‌های زراعی خانوارها مؤثر است تا بدین طریق ضرورت انجام فعالیت‌های کشاورزی موجود با روش‌های روز از طریق زنان به خانوار آنان انتقال یابد. نیاز زنان به اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود کشاورزی در روستاهایی مانند آقبلاغ، قزل تپه علی‌قلی و قزل تپه بیات بیشتر احساس می‌شود زیرا در این روستاها روش‌های نوین کشاورزی بسیار کم انجام شده و ضرورت آگاه‌سازی زنان و خانوارها در این زمینه ضروری می‌باشد؛ اما در روستای نزدیک‌تر به مناطق شهری (روستای یامچی) با توجه به انجام فعالیت‌های کشاورزی موجود با روش‌های نوین همچون استفاده از روش‌های آبیاری قطره‌ای و آبیاری نواری نیاز زنان و خانوارهایشان در زمینه‌ی فعالیت‌های موجود کشاورزی کم‌رنگ‌تر احساس می‌شود. نیاز زنان در مورد فعالیت‌های نوین کشاورزی در همه روستاها وجود دارد زیرا در همه روستاها، بیشتر زنان در مورد فعالیت‌های نوین کشاورزی همچون پرورش ماهی، قارچ، ورمی کمپوست، کبک، جوجه صنعتی و از این قبیل اطلاعات کافی ندارند و خواستار برگزاری دوره‌های عملی نوین کشاورزی در روستاها بودند. نتایج حاصل از بررسی حاکی از آن است که زنان روستاهای آقبلاغ، قزل تپه، علی‌قلی و قزل تپه بیات در زمینه‌ی برداشت محصولات باغی، تهیه محصولات خشکبار، فرآوری محصولات لبنی پرمصرف و بسته‌بندی مناسب آن‌ها، بافت فرش‌های با طرح و نقشه‌های روز، آگاهی روز

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد‌های ذیل ارائه می‌شود:

- توجه نهادهای بیرونی به ویژه سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری در زمینه‌های مذکور ضروری به نظر می‌رسد این توجهات به طرق مختلف از قبیل برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی-ترویجی با استفاده از فنون مشارکتی؛ حضور مروجان و کارشناسان خبره کشاورزی و منابع طبیعی در منطقه؛ و استفاده از رسانه‌های جمعی محلی همچون تلویزیون و رادیو و نشریات ترویجی برای زنان روستایی جوان که باسواد که امکان استفاده از تلفن همراه و پیامک تلفنی را دارند، امکان‌پذیر است.

- به منظور برآورده نمودن نیاز مربوط به سختی کار فرش‌بافی نیز پیشنهاد می‌گردد ارائه خدمات درمانی از سوی نهادهای بیرونی همچون سازمان خدمات درمانی روستایی به منظور جلوگیری از تشدید آسیب‌های جسمی ناشی از فرش‌بافی به زنان روستایی صورت گیرد. همچنین نظارت نهادهای بیرونی همچون اتحادیه فرش دستباف روستایی و سایر نهادهای مربوطه به فروش فرش‌های بافته شده توسط روستاییان و انجام اقدامات لازم به منظور حذف دلالان از زنجیره تولید و فروش فرش ضروری می‌باشد.

- به منظور افزایش سطح سواد تابعی زنان نیز پیشنهاد می‌شود برنامه‌های مربوط به سوادآموزی زنان روستایی با برنامه‌های ترویجی مربوط به فعالیت‌های مختلف کشاورزی، غیر کشاورزی و منابع طبیعی تلفیق شوند.

مربوط به توان جسمانی زنان، به جز یک روستا عملاً در سایر روستاهای حوزه، نیاز مهمی در زمینه مذکور وجود ندارد و فراگیر نبودن ضعف جسمانی بین زنان روستایی زمینه خوبی را فراهم نموده است تا با بهره‌گیری از نیروی انسانی کافی و برخوردار از سلامت جسمانی، زمینه افزایش سایر ظرفیت‌های آنان فراهم گردد. همچنین نتایج حاکی از آن است که دانش زنان در زمینه فرآوری محصولات با بازار مصرف بیشتر، پایین است به طوری که فقط زنان خانوارهای با سطح درآمد بالا از تهیه این محصولات (تهیه شیر انگور با استفاده از محصولات سایر نقاط استان) و بازار فروش آن اطلاع داشتند، در حالی که زنان سایر طبقات روستای مذکور و روستاهای دیگر مورد مطالعه در این زمینه آگاهی نداشتند و فقط به تهیه و فرآوری محصولات تولید شده توسط خانوارشان در روستا بسنده می‌کردند. البته وجود چنین نیازی توسط پژوهشگر و با توجه به نقل قول‌های زنان خانوارهای با درآمد بالا تعیین گردید، زیرا زنان خانوارهای با سطح درآمد پایین و متوسط از انجام چنین فعالیت درآمدزا صحبت نکردند و زنان خانوارهای طبقه بالا طی مصاحبه شخصی این فعالیت را ذکر نمودند. به طور کلی می‌توان بیان کرد سطح سواد زنان روستایی، میزان آگاهی آنان از فعالیت‌های مختلف و نگرش افراد نسبت به مدیریت محیط زیست بر تقویت این سرمایه در جامعه روستایی کمک می‌کند. نتیجه مذکور در مطالعه فال سلیمان و همکاران (۱۳۹۱) نیز بیانگر وابستگی بین میزان تحصیلات، میزان آگاهی افراد از امور مختلف مرتبط با منابع طبیعی و نگرش افراد نسبت به فعالیت‌های تولیدی و حفاظت و احیای منابع طبیعی است.

منابع

- اکبری، ح. (۱۳۹۱). نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۴، صص ۵۶-۳۷.
- توفیق‌پایان اصل، س. ف. و میزبان، م. (۱۳۹۲). توانمندسازی مدیریت زنان روستایی جهت حفاظت از محیط زیست (مطالعه موردی: دهستان رستم یک، شهرستان رستم). *سومین کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست*، دانشگاه تهران، ۵ آذر، صص ۸-۱.
- حسن‌شاهی، ه. ساداتی، س. ا. و رضایی، ع. (۱۳۸۸). تحلیل مدیریت پایدار منابع طبیعی در بین کشاورزان شهرستان بهبهان (مطالعه موردی در استان خوزستان). *فصلنامه علوم محیطی*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۶۹.
- رضایی، ر. و صفا، ل. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نیازهای آموزشی مترصداران در شهرستان زنجان (مطالعه موردی: روستای اورتابلاغ). *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۳، شماره ۴، صص ۵۸۴-۵۷۳.

- روستا، ک. و حاجی آبادی، م. (۱۳۹۲). بررسی روش‌ها و تکنیک‌های ترویجی تاثیرگذار بر دانش، نگرش و مهارت بهره‌برداران درباره مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی استان خراسان جنوبی). *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد و توسعه و کشاورزی ایران*، دوره ۴۴، شماره ۴، ۶۶۵-۶۷۷.
- صابری، ا. و کرمی دهکردی، ا. (۱۳۹۱). مقایسه فرهنگ و دانش بومی با دانش رسمی در حوزه آبخیزداری. *دوفصلنامه دانش‌های بومی ایران*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۰۱-۱۸۱.
- صنایع گلدوز، س.، مخدوم، م.، جعفری، ح. و اصلیلان مهابادی، ح. (۱۳۸۹). نیازسنجی آموزشی کارشناسان ارزیابی اثرات محیط‌زیست در ایران. *فصلنامه علوم محیطی*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۰۴-۱۸۹.
- عسگری مقدم، ز. (۱۳۸۷). نقش زنان در بیابان‌زدائی و توسعه پایدار منابع طبیعی. *ماهنامه کشاورزی و غذا*، شماره ۶۹، صص ۶۱-۵۸.
- غنیان، م.، خانی، ف. و قدیری معصوم، م. (۱۳۸۷). نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان). *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۹.
- فال سلیمان، م.، صادقی، ح. و موحدی پور، م. (۱۳۹۱). تحلیلی بر نقش پروژه ترسیب کربن در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: حسین‌آباد غیناب- شهرستان سریشه). *فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۲، شماره ۸، صص ۲۷-۱۳.
- کرمی دهکردی، ا. (۱۳۹۴). شناخت ظرفیت‌ها و نیازهای اجتماعات روستایی در راستای مدیریت جامع و مشارکتی حوزه آبخیز قزل تپه در استان زنجان. زنجان، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان.
- کرمی دهکردی، ا. و فرخی، ص. (۱۳۸۸). مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز و نیازهای یادگیری روستاییان (مطالعه موردی: حوزه آبخیز فش). نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی. کرمانشاه، ۱ اردیبهشت، صص ۹-۱.
- کرمی دهکردی، ا.، کریمی، ک.، بادسار، م. و آقاجانلو، خ. (۱۳۹۵). دیدگاه بهره‌برداران روستایی نسبت به تأثیر طرح‌های مرتعداری بر دانش آن‌ها پیرامون حفاظت از مراتع در شهرستان ماهشان استان زنجان. *مجله ترویج و آموزش کشاورزی*، شماره ۲، صص ۱۶۷-۱۵۱.
- کلانتری، خ.، شعبانعلی‌فمی، ح. و سروش‌مهر، ه. (۱۳۸۹). بررسی عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی شهرستان همدان). *مجله توسعه روستایی*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- مهدوی، س. خ.، محمودی، ج. و سوری، م. (۱۳۹۰). اهمیت مشارکت زنان در حفظ منابع طبیعی. دومین همایش منطقه‌ای توسعه پایدار منابع طبیعی در حاشیه جنوب دریای خزر. نور، ۲۴ آذر ماه، صص ۲۱-۱.
- وثوقی، ل. و قاسمی، م. (۱۳۹۳). اکوتوریسم و توانمندسازی زنان روستایی (مورد مطالعه: روستای شیب دراز، جزیره قشم). *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۶۱۰-۵۹۳.

- Adato, M., and Meinzen-Dick, R. (2002). Assessing the impact of agricultural research on poverty using the sustainable livelihoods framework. International Food Policy Research Institute.
- Bryman, A. (2015). *Social research methods*. UK: Oxford university press.
- Cheston, S., and Kuhn, L. (2002). Empowering women through microfinance. United Nations Development Found for Women (UNIFEM).
- FAO. (2015a). Fao policy on gender equality: Attaining food security goals in agriculture and rural development. Rome:.
- FAO. (2015b). Rural women and the millennium development goals. Rome.
- Gaillard, J., Maceda, E.A., Stasiak, E., Le Berre, I., and Espaldon, M.V. (2009). Sustainable livelihood and people s vulnerability in the face of coastal hazards. *Jornal of Coastal Conservation*., 13(2-3), 119-129 .
- Krantz, L. (2001). The sustainable livelihood approach to poverty reduction. Swedish International Development Cooperation Agency (SIDA). Division for Policy and Socio-Economic Analysis.
- Nunan, F. (2006). Empowerment and institutions: Managing fisheries in uganda. *World Development*, 34(7), 1316-1332.
- UNWomen. (2012). Strengthening role of rural women in managing natural resources can enhance peacebuilding , say experts. Available at: <<http://www.unep.org/NEWSCENTRE/default.aspx?DocumentId=2676&ArticleId=9072>>.

Volunteers For Africa. (2009). The role of rural women in natural resource management in kenya. Available at: <<https://www.ammado.com/nonprofit/volunteersforafrica/articles/7325>>.

Woodhouse, P., Howlett, D., and Rigby, D. (2000). A framework for research on sustainability indicators for agriculture and rural livelihoods. Working paper 2, research project no. R7076ca. Retrieved from London.

Yin, R. K. (2013). *Case study research: Design and methods*. London: Sage publications.

Analyzing Rural Women's Information Needs for Sustainable Natural Resources Management (A Case Study in the Ghezel Tapeh Watershed in Zanjan Province)

E. Karamidehkordi* and R. Babae¹

(Received: May, 06. 2017; Accepted: Nov, 28. 2017)

Abstract

Rural women are directly connected to natural resources and environment and because of their livelihood strategies, they have mutual impacts on those resources. Rural women's knowledge has significant contribution to sustainable integrated watershed management. This research aims to understand rural women's information needs for sustainable natural resources management. The study utilized a qualitative perspective through a case study methodology using the Rapid Rural Appraisal techniques in the Ghezel Tapeh Watershed, Zanjan province, Iran. Rural women contributed to their household livelihoods through both agricultural and non-agricultural strategies. They needed to obtain information and enhance their awareness and know-how knowledge or skills in subjects such as effective harvesting and processing of horticultural and dairy products, new methods of carpet weaving with updated designs and maps, new non-agricultural job opportunities, employment in new agricultural activities, natural resources and environment conservation techniques, and functional literacy. They also needed to improve their environmental attitude and values regarding proper rural waste management. There were no serious human physical and health defects among rural women and this human capability can be utilized for building their other livelihood capacities. These needs imply the necessity of improving rural women's know-what knowledge and providing required condition for enhancing their skills.

Keyword: Rural Women, Knowledge, Need, Sustainable Watershed Management, Zanjan Province.

¹ Associate Professor and Former M.Sc. Student of Agricultural Extension and Rural Development, respectively, University of Zanjan. Zanjan, Iran.

* Corresponding author, Email: e.karami@znu.ac.ir